

... وخلق، پایدار و استوار است

بیانیه حزب کمونیست عراق

پسرای گسترش مبارزه در صفوف متحد و همبستگی استوار با توده‌های مردم و کلیه میهن‌دوستان در ارتش، برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری و خاتمه دادن به جنگ

صفحه ۴

* یا باید با تحمل مشکلات و دشواریهایی که دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا پرما تحمیل می‌کند، بی تزلزل به پیش، بسوی دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی پیش‌روییم، یا به‌احیای دوران پرا دپار و تیره گذشته کمک رسانده‌ایم.

قلمی این کارزار توفنده، ازبای نخواهد نشست.

سخنان امام خمینی، ملین‌عزم و اراده زحمتکش و محرومان را داشت که آینده را از آن خویش می‌دانند و با دشواریها از همین زاویه روبرو میشوند: پایداری و استقامت امروزه، پیروزی فردا را نصیب ما خواهد کرد.

امام خمینی، درسرخنان خویش، تلاشهای خاتمانه کسانی را که می‌کوشند از گاه کوه بسازند و با دم مسموم خویش در قلب روح مردم بدمند و آنها رانست، به ادامه راه انقلاب دلسرد سازند، بقیه در صفحه ۴

بازار و جنبش‌ها را به حفظ دستاوردهای انقلابی، که در واقع ثمره خون آنها و برای فرزندان آنهاست، دعوت کرده‌اند.

ندای امام خمینی، که ملیرغم جنگ‌های قدرت‌طلبانه افشار و طبقات بی‌آینده، بدون هیچ تزلزل شعله امید به فردا را در قلب مردم ستمدیده و محروم میهن‌ما فروزان تکمیل‌دارد، از ایمان و اعتقاد به نیروی توده‌های میلیونی سرشار است و آینده را از آن او میداند؛ طنین آرمانهای خلق زحمتکشی است که سالهاست برای کسب استقلال و آزادی و نیل به یک زندگی انسانی، رزمیده است و بیشک تا فرجام

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در مقابل خانواده‌های شهیدای نیروی هوایی، همه مردم را به پایداری، استقامت و استواری درقبال مشکلات فراخواندند و آنها را به پیروزی نوید دادند.

رهبر انقلاب، در چند سخنرانی اخیر خویش، چون روح بزرگ یک انقلاب توفنده، که برای فتح عرصه‌های فردا، به اوج چنگ می‌اندازد، از آینده روشن سخن گفته‌اند، مشکلات و دشواریها درقبال هدف سترک استقلال و آزادی، خوارش‌ردانه، بر- کوه نظران جاه‌طلب خشم گرفته‌اند و زحمتکشان کوچک



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۱۱ یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۵۹، مطابق با ۲۷ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در ۲۴ ساعت ۱۲ دیماه، طبق اطلاعیه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵ انبار مهمات و ۱۱ تانک دشمن نابود شدند

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۳۵۶ خود وضع جبهه‌ها و عملیات رزمندگان انقلاب را تا آخر وقت ۱۲ دیماه، به این شرح اعلام کرد:

۱- دیروز (۱۲ دیماه) درائر آتش نیروهای رزمنده اسلام در منطقه مارد و محور آبادان - ماهشیر پنج دستگاه تانک، چهار دستگاه خودرو، سه سنگر خمپاره - انداز و سه انبار مهمات دشمن منهدم گردید و بیش از ۲۳ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند. در این عملیات ۱۱ نفر از نیروهای خودی شهید و ۳۸ نفر مجروح گردیدند. بقیه در صفحه ۴

نامه آقای ابوالقاسم صادق به «نامه مردم»

در روزنامه «جمهوری اسلامی» مورخ ۱۱/۱۰/۵۹، نامه آقای ابوالقاسم صادق، سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی، به نامه «مردم» در پاسخ به مقاله نامه «مردم» زیر عنوان «حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است» مندرج در شماره ۴۰۶، مورخ ۸/۱۰/۵۹، بچاپ رسیده است. متأسفانه چنین نامه‌ای تاکنون به نامه «مردم» نرسیده است. ولی برای آنکه تاخیری در درج نامه آقای ابوالقاسم صادق به نامه «مردم» روی ندهد، ما این نامه را از روزنامه «جمهوری اسلامی» عیناً نقل میکنیم:

«سرپرست روزنامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران در رابطه با مقاله «حفظ نشریات حزب توده ایران فقط بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» که در شماره ۴۰۶ مورخ دوشنبه ۸ دیماه ۱۳۵۹ در صفحه اول آن نشریه درج گردید پاسخ زیر را در همان صفحه براساس قانون مطبوعات مصوب بیستم مرداد ماه هزار و سیصد و پنجاه هشت درج نمائید.

حزب توده ایران هدفی جز سرنگون کردن نهایی دولت یر حق جمهوری اسلامی ایران و برقراری یک سیستم کمونیستی در این کشور ندارد و در این راه پیروی ظاهری از امام وحایت ظاهری از انقلاب تنها در رابطه با آن هدف نهایی است. اگر در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و شرق دو قطره خون در بدن من باقی مانده باشد اولین قطره را در راه مبارزه با امپریالیسم غرب و آخرین قطره را در راه مبارزه با کمونیسم خواهم داد.

ابوالقاسم صادق سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی

سرماپه‌های بزرگ وابسته تجاری و جنبش تعاونی در ایران

آنجا که تجار بزرگ بفکر تشکیل شرکتهای تعاونی می‌افتند! حيله جدید سرماپه‌های بزرگ وابسته تجاری در ضربه زدن به نظام تعاونی و حفظ منافع مواضع غارتگرانه خود.

سرماپه بزرگ تجاری و تعاونی‌ها در شهر سرماپه بزرگ وابسته تجاری در طول دهها سال سلطه بلامنازع خود بر بازار ایران، یکی از عوامل عمده و اساسی جلوگیری از فعالیت تعاونی‌ها بوده است. هرچا که عده‌ای حقوق و مزدبگیر، چه بقیه در صفحه ۴

چند یادآوری

۱) آقای ابوالقاسم صادق در تاریخ ۶ دیماه در يك مصاحبه مطبوعاتی با روزنامه کیهان، پیرامون لایحه جدید مطبوعات، از جمله خواستار آن شده بود که «کمسیون رسیدگی به امتیازها» «امتیاز نشریات را که برخلاف ادعاهای اولیه‌شان قدم بر میدارند، لغو نماید». آقای ابوالقاسم صادق سپس «مثلاً» از حزب توده ایران و ارگان مرکزی آن، نامه «مردم» نام برده بود. وی در همین مصاحبه حزب توده ایران را «وابسته» نامیده بود.

۲) نامه «مردم» در تاریخ ۸ دیماه ۵۹، طی مقاله‌ای تحت عنوان «حفظ نشریات حزب توده ایران بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است» در دفاع از حق قانونی خود و در رد افترای آقای ابوالقاسم صادق، از جمله نوشت: «در شرایطی که «انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در آستانه» بقیه در صفحه ۷

رفقای توده‌ای در اردبیل را آزاد کنید

بیش از یکماه پیش، در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹، رفیق فروغ‌الدین ابراهیمی از مسئولین حزب توده ایران و روح‌الله نظیری از هواداران حزب توده ایران، در اردبیل، به این «علت» که کاغذ سفیددر اختیار دارند، لذا ممکن است ماشین فتوکپی هم داشته باشند (!) از سوی دادرسی انقلاب این شهرستان بازداشت شدند و متأسفانه هنوز پس از گذشت یکماه به این بهانه غیرمنطقی، در بازداشت بسر می‌برند. ما ضمن اعتراض مجدد به این عمل غیر- قانونی، خواستار آزادی فوری این رفقا هستیم.

دو نوع برخورد در برابر توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا

۱- هشیارکن «امکان حمله مستقیم نظامی آمریکا، مثل ماجرای طیس هست» (حجت‌الاسلام خامنه‌ای - نماز جمعه ۵ دی ۱۳۵۹) «دولت آمریکا علنی‌تر از هر موقع دیگری با جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ میشود، زیر پوشش اینکه ایران میخواهد برای حل مساله گروگانها باج بگیرد.» (نخست‌وزیر - در حضور سفرای کشورهای خارجی - ۶ دیماه ۱۳۵۹)

۲- خواب‌کن «بعضی از مسند نشینان که به گفته‌های امام ایمان ندارند، احياناً به ترس از آمریکادچار شده‌اند، بدین گمان باطل‌اند که آمریکا قادر است به ایران حمله نظامی کند... و این خیال باطلی است، زیرا آمریکا قادر به حمله نظامی به ایران نیست.» (میزان - ۱۳ دی ۱۳۵۹)

در صفحات بعد

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت‌الله منتظری:

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

گله‌مندی شما از کم‌تحرکی و بارکود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزندگان این جبهه بود

صفحه ۴

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

... و خلق ...

بقیه از صفحه ۱

محکوم کردند و نیروهای را، که در تار و پود زندگی حقیر امروز گرفتاراند و بجای تلاش برای دستیابی به آینده پرشکوه و آزاده، با غرغره‌های فرساینده و پوساننده در قبال دشواریهای انکارناپذیر، به انقلاب زیان می‌رسانند و به دشمن کمک می‌کنند، نصیحت کردند.

آری، امام خمینی درست می‌گویند: دشواریها رانمی‌تواند انکار کرد، اما این دشواریها را دشمن اصلی، شیطان بزرگ - آمریکا بوجود آورده است، تا ما را از کوشش برای دستیابی به فردای روشن و پرشکوه و آزاده، مایوس گرداند و به ذلت و خواری وابستگی و اسارت و دیروز، بازگرداند. بیشک شیطان بزرگ - آمریکا برای پیشبرد این هدف شوم خود، به فعالیت مزدوران خویش و نیز نیروهای مترزلی که از کوچکترین دشواریها به هراس می‌افتند و گلایه و شکوه سر میدهند، بسیار امید بسته است. اما خلق انقلابی ما، میلیونها زحمتکش که انقلاب را روی شانه‌های خود بنا نهاده‌اند و تا بحال سخت‌ترین دشواریها را برای حفظ، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب متحمل شده‌اند، بیگاری، گرانی، فشار بیش از حد زندگی و گرسنگی را، به امید پیروزی، پذیرا گشته‌اند، در مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، خود و فرزندان خویش را

سرمایه‌های بزرگ...

بقیه از صفحه ۱

در کارخانه، چه در موسسه و کارگاه، چه در محله و منطقه بفکر می‌افتادند که با تشکیل شرکتهای تعاونی مصرف، اندکی در وضع خود در برابر گرانی، احتکار و غارت دستمزدها و حقوق‌های ثابت بهبود ایجاد کنند، سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری با تمام قوا درصدد اضمحلال و ورشکستگی تعاونی‌ها برمی‌آمد.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری تنها به کارشکنی و جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، اکتفا نمی‌کرد. اخلال در تشکیل و تقویت تعاونی‌های تهیه مواد اولیه مورد نیاز پیشه‌وران و اصناف و یا تعاونی‌های خرید و فروش محصولات آنان نیز یکی دیگر از زمینه‌های وسیع خرابکاری سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری علیه تعاونی‌ها بود. سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری، بازار ایران را، به اصطلاح معروف، ملک‌طلق خود محسوب می‌داشت و به همین جهت تیشه به ریشه تعاونی‌ها می‌زد، زیرا که بهر حال پاک‌رفتن آنها سبب می‌شد تا حدی به غارتگری این سرمایه خون‌آشام لطمه وارد آید.

سرمایه بزرگ تجاری و تعاونی‌های روستائی

زمینه دیگر فعالیت مخرب سرمایه بزرگ وابسته تجاری، جلوگیری از رشد تعاونی‌های مصرف، تهیه و تدارک کالاهای تولیدی مورد لزوم آنان و فروش محصولات دهقانان در شهرها بود. سرمایه بزرگ وابسته تجاری تا اعماق دهات را زمینه‌ناسب غارت و استثمار خود می‌دانست. به همین جهت در برابر تعاونیهای مصرف، توزیع مواد ضروری بین روستائیان و فروش محصولات آنان از طریق شبکه تعاون در شهرها، با تمام قوا مخالفت می‌ورزید. در مخالفت با تعاونیهای روستائی، سرمایه بزرگ وابسته تجاری گذشته از نیروی مخرب سرمایه، از مالکیت‌های عمده ارضی کمک می‌گرفت، که بخشی از آن در دست خودش متمرکز بود.

شیوه‌های مخالفت سرمایه بزرگ تجاری با تعاونیها

سرمایه بزرگ وابسته تجاری در فعالیت خرابکارانه خود علیه تعاونی‌ها، چه در شهر و چه در روستا، بدو طریق اقدام می‌کرد: اول از طریق استفاده از دستگاه حاکمه بورژوا - مالاک و با استفاده از اهرمهای سیاسی - دولتی، هر نوع امکان فعالیت را از شرکتهای تعاونی سلب می‌کرد، این شرکتها را از استفاده از وامهای دولتی، شرکت موثر در بزرگانی داخلی و خارجی، بکه بسود آنها بود، محروم نگاه می‌داشت، و بالاخره با وضع قوانین ضد تعاونیها، آنها را نسبت به سرمایه‌های خصوصی در موضع ناپراب قرار می‌داد. دوم اینکه با وابسته کردن تعاونیها بخود، از لحاظ دریافت کالا و فروش جنس و انجام خدمات، مانع از تقویت بنیه مالی تعاونیها می‌گردید، تعاونی‌ها را ورشکست می‌ساخت و به اعتماد عمومی، دامن به اینگونه تعاونی‌ها می‌تواند از منافع اعضا خود، اعم از مصرف‌کنندگان عادی و یا پیشه‌وران و اصناف جزء و دهقانان، دفاع کند، ضربه شدید وارد می‌آورد.

بسنوشت تعاونی‌ها در ایران

نتیجه مجموعه فعالیت خرابکارانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری آن شد که، با اینکه نهضت تعاونی در اوائل قرن حاضر به کشور ما رسوخ کرده، معذالک تا هم‌اکنون نتوانسته پایگیرد. سرمایه‌های تعاونی و قدرت اقتصادی آنها در جامعه طاغوتی، درمقایسه با قدرت سرمایه‌های بزرگ خصوصی وابسته، بقدری اندک بود که هیچ اثری نمی‌توانست در بهبود زندگی جامعه داشته باشد. تلاشهای فوق‌العاده زیادی از جانب زحمتکشان شهر و روستا و توده عظیم مزد و حقوق‌بگیران برای دفاع از منافع مادی خود در برابر هجوم غارتگرانه سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بعمل آمد. لیکن حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیستها بر کشور و سلطه مطلق و بلامنازع سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازار ایران، مانع عمده و اساسی در راه توسعه جنبش تعاونی و مزایای آن در دفاع از منافع طبقات زحمتکش و اقشار متوسط جامعه بود.

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و اقتصاد تعاونی

با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و بویژه با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در آن اقتصاد تعاونی رکن دوم اقتصاد ملی ایران شناخته شده و پس از رکن اقتصاد دولتی ارجحیت آن بر بخش خصوصی قانونی گردیده، و همچنین با توجه به اینکه ضمن تصویب اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی، زمینه مساعد و مناسبی برای توسعه و تقویت تعاونیها فراهم گردیده، البته وضع با سابق، بسود تعاونیها، تغییر اساسی پیدا کرده است. اکنون جنبش تعاونی، در جهت تقویت بخش تعاونی اقتصاد ملی، می‌تواند از شکوفائی جالبی برخوردار گردد.

تعاونی‌ها و منافع زحمتکشان و اقشار میانی

میلیونها زحمتکش شهر و روستا، از طریق شکل در تعاونیهای مصرف، اعتبار، مسکن، تهیه مواد اولیه و فروش کالاهای تولیدی می‌توانند نه تنها در بزرگانی داخلی، بلکه در بازرگانی خارجی نقش فائق ایفا کنند. ایجاد تعاونیها در همه سطوح می‌تواند از منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار دستمزد و حقوق‌بگیر در برابر زیاده‌طلبی

فدا کرده‌اند و بانیرویلایزال خود انقلاب را به پیش می‌برند، با پایداری و استقامت بیشتر رهنمود امام خمینی را پذیرا خواهند شد.

خلق انقلابی و زحمتکش ما، استقامت و پایداری خود را نشان داده‌است. آینده از آن اوست. اما برخی کسان در این راه دشوار از پای نشستند، به نفس نفس - زدن افتادند، به افتخاندن تخم تردید و یاس و نارضایتی پرداختند و یا در تار و پود دام‌فوسون شیطان بزرگ - آمریکا گرفتار شدند. از این خیل واخوردگان، آنان که منافع خویش را در گذشته می‌جویند و تنها برای پیشبرد اهداف شیطان بزرگ - آمریکا استقامت می‌ورزند، سروکارشان با قبر خلق است. اما بخشی از اینان، که در پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، و نه اعاده دوران پیشین، ذینفع‌اند، ولی دشواریها و توطئه‌ها آنها را خسته کرده و از گذشته تیره و پر ادبار غافل ساخته است، طعمه مناسبی برای دام ضدانقلابند، که با تمام قوا برای ساقط کردن انقلاب ایران می‌کوشد.

پوشش باشیم! بدون تحمل دشواریها و بدون پیوندن راه - های سنگلاخ، دستیابی به استقلال و آزادی و ترقی ممکن نیست. توقف در میانه راه، کاستن از نیروی پیش‌رونده خلق و کمک به تلاش شیطان بزرگ - آمریکا برای بازگرداندن «نظم» پیشین است. پایدار، پیگیر و استوار باشیم. پیروزی از آن ماست!

۶- مبادله آتش توپخانه بین نیروهای خودی و دشمن متجاوز در شوش و جسر نادری ادامه داشت ولی وضع جبهه‌های جنگی در اندیمشک نسبت به روزهای قبل آرام بوده است. نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با موفقیت تعدادی از سنگرهای دشمن را در جاده آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر و همچنین خودروهایی دشمن در جنوب سوسنگرد را به میزان هشتاد درصد نابود کردند. همچنین منابع نفتی و تلمبه‌خانه چلغانه عراق را مورد حمله قرار داده و آنها را به آتش کشیدند.

۸- دیروز با آتش نیروهای جانباز اسلام بر مواضع مزدوران عراقی در منطقه سومار، چهار سنگر گروهی و تعدادی سنگر افرادی دشمن نابود گردید و حدود ۲۵ نفر از افراد ارتش عراق کشته و زخمی شدند.

۹- درگیری در ارتفاعات شورشیرین، کانی‌سخت، کچان - چم، ملک‌شاهی، سرنی و امیرآباد بین نیروهای خودی و دشمن ادامه داشته و خمپاره‌اندازهای خودی در محور کانی‌سخت موفق شدند یک قبضه تیربار ضد هوایی یک منبع آب، یک منبع سوخت و نه سنگر گروهی دشمن را منهدم و افراد آنها را به هلاکت رسانند.

۱۰- مهاجمین مسلح روز گذشته (۱۲ دیماه) پاسگاه پلیس راه میاوند آب را مورد حمله قرار دادند که بر اثر درگیری یک نفر درجه‌دار مجروح و تعدادی از افراد مسلح غیرقانونی کشته و زخمی شدند. همچنین مهاجمین به یگان ارتشی مستقر در منطقه پیرانشهر حمله کردند و دوفت از سربازان را مجروح کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

۵ انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱

همچنین در اثر آتش یگانهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران به مواضع دشمن متجاوز در جاده آبادان - دارخوین دو انبار مهمات دشمن نابود شد.

۲- دیروز (۱۲ دیماه) علیرغم آنکه نقاطی از شهر اهواز زیر آتش توپخانه دوزخ دشمن قرار گرفت و به تعدادی از منازل مسکونی خسارتی وارد آمد و یک نفر شهید و یک نفر مجروح شد، توپخانه جمهوری اسلامی ایران در این منطقه با اجرای آتش موثر توپخانه روی مواضع دشمن شش دستگاه تانک، پنج دستگاه لودر و بیلبمکانیکی و پنج دستگاه خودرو دشمن را منهدم و حدود ۸۴ نفر از افراد متجاوز عراقی را کشته یا زخمی کردند.

۳- دیروز (۱۱، ۱۰، ۹ دیماه) بین نیروهای رزمنده اسلام و دشمن کافر در اطراف رود کارون ادامه داشت و توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران مناطق کوه‌نژین و ام‌الرصاص را زیر آتش شدید خود گرفتند.

۴- دیروز (۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹ دیماه) توپخانه دشمن شهرستان دزفول را هدف قرار داد که چهار خانه مسکونی منهدم شد و ۲ نفر غیر نظامی مجروح گردیدند. در همین منطقه بر اثر تیراندازی نیروهای خودی یک دستگاه خودرو و مقدار زیاد از مهمات دشمن نابود شد.

۵- رزمندگان دلیر اسلام مواضع دشمن را در منطقه سوسنگرد زیر آتش گرفتند و تلفاتی به آنان وارد آوردند. در این جبهه بر اثر اصابت گلوله دشمن یک نفر از افراد بسیج مجروح شد.

نامه «مردم» روز دوشنبه منتشر نمیشود

و آزمندی سرمایه‌داران بزرگ وابسته دفاع بعمل آورد، دامنه غارت سرمایه‌های وابسته تجاری را در شهر و روستا محدود کند، امر تدارک و توزیع کالاهای مصرفی را با قیمت‌های مناسب به‌نظم درآورد، مصرف‌کننده شهری را از شر واسطه‌های غارتگر نظیر سلفخر و میدان‌دار نجات دهد و مصرف‌کننده روستائی را از غارت پیله‌ور و سرمایه‌های ربائی و تجاری طفیلی برهاند. تعاونی‌ها می‌توانند در تامین سکنه شهری یا محصولات کشاورزی و تامین سکنه روستاها با محصولات صنعتی و در موارد مشخص صدور کالاهای داخلی، مانند قالی به‌خارج و واردات کالاهای ضرور از خارج در برابر صادرات سنتی و نظائر آن نقش فوق‌العاده مهم ایفا کنند.

امکان رشد و توسعه تعاونی‌ها در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران با نقش عظیمی که قانون اساسی برای اقتصاد تعاونی در نظر گرفته و آن را دومین رکن اقتصاد ملی، پس از بخش دولتی، شناخته، امکانات عظیمی برای رشد و توسعه جنبش تعاونی و فراگیری آن فراهم آمده است. باید از همه این امکانات در جهت تامین منافع واقعی توده زحمتکشان در برابر تهاجم سرمایه‌خصوصی استفاده بعمل آورد و جنبش تعاونی را به‌سود پیروزی قطعی انقلاب از هر جهت تقویت کرد.

تعاونی‌ها و حيله سرمایه بزرگ تجاری

درعین حال باید توجه داشت که جنبش تعاونی اصالت خود را بعنوان جنبشی که هدف آن غارتگری و یکه‌تازی سرمایه نیست، بلکه دفاع از منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خرده‌بای‌شهر و روستائی است، حفظ کند. در این مورد بویژه باید متوجه فعالیت سرمایه‌های غارتگر وابسته بود که، چون اکنون با نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران مواجه شده‌اند، به منظور حفظ موجودیت و ادامه غارتگری، حتی از آن ابا ندارند که خویش را زیر پوشش شرکت‌های تعاونی پنهان سازند. در این زمینه از تلاشهای عده‌ای از بزرگترین تجار باید نام برد که - در صورت اجرای اصل قانون اساسی در مورد ملی‌کردن بازرگانی خارجی - میخواهند با تشکیل شرکتهای تعاونی و زیرپوشش آنها، همچنان بازرگانی خارجی را در انحصار خود نگاه دارند.

حنای تجار بزرگ بی‌رنگ است

در برابر مخالفت سرمایه‌بزرگ وابسته تجاری با ملی‌کردن بازرگانی خارجی و حيله جدید آنها برای حفظ مواضع خود، باید گفت که سابقه بیش از یک قرن تسلط سرمایه بزرگ وابسته تجاری بر بازرگانی خارجی معرف کامل آنست که چه بلاهای مهلکی نظیر عقب‌ماندگی رشد صنعتی و کشاورزی و وابستگی اقتصاد ایران به دول امپریالیستی بوسیله سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری بر کشور ما نازل شده است. پایان دادن به این بلاها ممکن نیست، مگر آنکه از سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری خلع‌ید بعمل آید و اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی اجرا شود. خوشبختانه نمایندگان انقلابی مجلس شورای اسلامی به این واقیبت وقوف کامل دارند و به ماموریت خطیر خود در تحقق هر چه زودتر اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی واقفند.

باید اصالت تعاونی‌ها با کمال قوا و دقت حفظ شود

اما در آنچه که مربوط به پنهان‌شدن سرمایه‌های بزرگ وابسته تجاری زیر پوشش «شرکت تعاونی» است، باید در این زمینه به ارگانهای دولت انقلاب، بویژه وزارت بازرگانی و وزارت کار هشدار داد که با تمام قوا از نفوذ سرمایه‌های بزرگ بداخل تعاونیها جلوگیری کنند و نظام تعاونی‌ها، چنانکه پایه و اساس آن مقرر می‌دارد، نه بر بنیای سرمایه، بلکه بر پایه تعاون و برابری و همبستگی بنا گذارند. حفظ منافع زحمتکشان و طبقات و اقشار مزد و حقوق‌بگیر جامعه انقلابی ما تشکیل چنین تعاونی‌هایی را می‌طلبد و نه تعاونی‌هایی که سرمایه‌داران بزرگ در آنها جای گیرند و جنبش تعاونی را بسود منافع آزمندانانه سرمایه‌داری وابسته و بزبان انقلاب تغییر ماهیت دهند.

رشد تعاونی‌ها مستلزم خلع‌ید از سرمایه بزرگ وابسته تجاری است

سرمایه بزرگ وابسته تجاری، ضمن آنکه دشمن استقلال اقتصادی و سیاسی کشور، به معنی واقعی کلمه است، و اهرم عمده عقب‌ماندگی اقتصادی ایران در دو قرن گذشته بشمار می‌آید، هم‌چنین مانع اصلی در راه پیشرفت جنبش نمری بخش تعاونی است، که حافظ منافع زحمتکشان شهری و روستائی و طبقات و اقشار خرده‌بای و میانه است. منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما ایجاب می‌کند که از سرمایه بزرگ وابسته تجاری هر چه زودتر خلع‌ید بعمل آید و اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی و تکیه بر نظام تعاونی، که میلیونها زحمتکش و اقشار خرده‌بای و متوسط را در خود متشکل کند، هر چه زودتر به اجرا گذاشته شود.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شوکت کنیم!

بیانیه حزب کمونیست عراق

برای گسترش مبارزه، در صفوف متحد و همبستگی استوار با توده‌های مردم و کلیه میهن‌دوستان در ارتش، برای سرنگون ساختن رژیم دیکتاتوری و خاتمه دادن به جنگ

جنگ تجاوزکارانه‌ای که باند دیکتاتوری علیه ایران همسایه برافروخت، داخل ماه سوم خود شده، پشاد شد و حشیه‌های ادامه دارد و با قربانیان و ویرانی‌ها و آلام و مصائب روزافزونی برای مردم ما و مردم ایران دوست همراه است.

بدینسان، این ماجراجویی جنایت‌کارانه به صورت یک جنگ دامنه‌دار و درازمدت درآمد - برخلاف آرزوها و حسابهای برافروندگان آن، که خواب نیل به یک پیروزی سهل و سریع را میدیدند تا انزوای کاملشان را تخفیف دهد، اعتبار رژیم متزلزلشان را بالابرد و خوابهاییکه راجع به زعامت و توسعه طلبی میدیدند، تحقق بخشد.

در نتیجه این دگرگونی، این جنگ شکل یک جنگ فرسایشی توأم با خسارات وحشتناک جانی و مالی و جنگ افزاری به خود گرفت و

انگیزه‌های واقعی این ماجراجویی جنایتکارانه آگاه بودند و به همین جهت به محکوم کردن آن و ابراز تنفر نسبت به آن مبادرت ورزیدند و قلبی بودن ادعاها و شعارهایی را، که این رژیم جهت تبرئه و توجیه جنگ ابراز می‌داشت، افشا و رسوا کردند. ادعاها رژیم مبنی بر کوشش برای استقرار مجدد سیادت و حاکمیت ملی بر اراضی عراق

هدف جنگ تجاوزکارانه باند تروریستی صدام حسین علیه ایران، نابودی انقلاب ایران است

و آبیهای آن نیز باشک و تردید مشروع مواجه شد. این جنگ جنایتکارانه، از لحاظ مقدمات و تعیین وقت آن و هدفهای متضدانه‌اش تأکید میکند که دست زدن به این ماجراجویی خونین چیزی نیست جز حاصل منطقی و ادامه طبیعی مجموعه خط‌مشی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طبقاتی این گروه فاشیست ستید، ایدئولوژی نژادپرستی و شوونیستی آن، همبستگی و ارتباطهای مشکوک آن با ارتجاع عرب و دوایر امپریالیستی و آزمندهای بورژوازی طفیلی آن. و این همانست که بیانیه حزب ما، مورخ ۲۴/۹/۱۹۸۰ (۲۷/۹/۱۳۵۹) که دو روز بعد از افروختن جنگ

به صورت یک جنگ دراز مدت، و نه برق‌آسا، درآمد. باند ماجراجویان و تجاوزکارانه و توسعه طلبانه، با شروع زورگویانه و منویات اعلان شده دایر به از بین بردن انقلاب ایران و تجزیه آن و ضمیمه کردن بخشهایی از ایران به عراق، راه بازگشت به سوی حسل مسالمت‌آمیز اختلاف را قطع کرد.

بدین ترتیب، بعلت تحول جنگ - که صدام حسین و باند تروریستی او برافروختند به جنگی که احتمالا یک مدت طولانی ادامه خواهد داشت، و به سبب اصرار تجاوزگر بر ادامه جنگ و تحمیل شروط خود بوسیله زور و

هدف ماجراجویی جنایتکارانه باند دیکتاتوری حاکم بر عراق، نجات از بحران داخلی است

صدر شد، بر آن تکیه کرده است. و اینک جریانات جنگ در خلال دو ماه گذشته تأکید میکند که این جنگ بخاطر آن برپا شد، تا در مسیر هدفهای تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا قرار گیرد و به نقشه‌های آن در منطقه، از جمله از بین بردن انقلاب ایران و تلاش جهت سرنگونی نظام دشمن با امپریالیسم در ایران خدست کند. این جنگ بر جنایت و تجاوز نظامی آمریکائی شکست خورده در آوریل گذشته، برده کشید. این جنگ دستاویز و بهانه‌آسانی به امپریالیسم آمریکا و همیمانان او بخشید، تا نیروهای نظامی بیشتری را در خلیج و دریای عرب متمرکز کنند، تسلیات و پایگاههای نظامی در چند

قدرت، وضع فوق‌العاده بفرنج و خطرناکی بوجود آمده است.

ولی آن نتایجی که احلام و آرزو-های طاغوت و باند او را بر باد داد، و عظمت خساراتیکه رژیم منفرد شده آنها دارد پشتش در زیر سنگینی بار آن خم میشود، آنها را به توسل‌جستن به واسطه‌ها و دوندگی برای آتش‌بس مجبور ساخته است.

مردم در کشورها و درجهان، و آنهایی که جریان جنگ را تعقیب کرده‌اند، متوجه شده‌اند که دوندگی افروخته این جنگ و باند او جهت آتش‌بس، فقط نتیجه خوبی است که بر آنها غلبه کرده، نتیجه آن عواقب

جنگ تجاوزکارانه رژیم دیکتاتوری عراق علیه ایران، مورد حمایت امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و رژیم‌های مرتجع و دست‌نشانده منطقه است.

کشور منطقه بدست آوردند و مانورهای نظامی در دریای عمان و در نزدیکیهای سواحل ایران، بعنوان حفظ «منافع حیاتی» امپریالیسم آمریکا در خلیج و تأمین صدور نفت از گذرگاه تنگه هرمز، اجرا کنند. به بهانه جلوگیری از سرایت جنگ عراق و ایران به دیگر دولتهای تولیدکننده نفت در خلیج، ایالات متحده و همیمانان ناویتی آن امکان یافتند که تجمع ناوهای جنگی مجزی به سلاحهای اتمی و ناوهای هواپیمابر، که شماره آنها بالغ بر (۶۰) فروداست و بر فراز آنها بیش از ۲۰

وخمی است که، در صورت ادامه جنگ، رژیم استبدادی‌شان را تهدید میکند. همانطور که تظاهر موزرانه این تروریست به «مصالحه» با ایران، جز یک ریاکاری متضدانه نبود که میخواست بوسیله آن، خشم و نفرت توده‌ها و نیروهای مسلح را، پس از آنهمه فجایع و قربانیان و ویرانیهای فراوانی که «دائر ماجرا» - جوئیهای خونین او بر کشور وارد آمده است، تسکین دهد.

توده‌های محروم ما در عراق و کلیه نیروهای میهن‌دوست در وطن عربی، از

هزار تن سرباز و بیش از ۳۰۰ هواپیما قرار دارند، توجیه کنند. این جنگ فرصتی برای ایالات متحده فراهم آورد، تا به بهانه «مقتضی حمایت» فضای عربستان سعودی و مناطق نفت‌خیز از هجوم ناگهانی، هواپیماهای «آواکس» به عربستان سعودی بفرستد. همچنین امپریالیسم آمریکا از فرصت استفاده کرد، تا «حمایت» موهوم خود را به دیگر کشورهای خلیج پیشنهاد کند و حضور نظامی خود را در عمان و سومالی و بحرین و کشورهای از این قبیل تقویت نماید.

سبب جنگ عراق و ایران، توجه از توطئه کمپ دیوید منحرف گردید و واشنگتن و تل‌آویو و قاهره این فرصت را مغتنم شمرده، تا در راه تقویت پایگاههای نظامی و نقشه‌های جنگی - که اخیرا شکل عملیات تمرینی برای نیروهای «واکش سریع» آمریکا در اراضی مصر را بخود گرفت - و گذاردن پایگاهها و بناذرفرودگاههای نظامی مصر در اختیار نیروهای آمریکائی و تمرکز نیروهای نظامی در مرز لیبی و اعلان سادات خائن دایر به آمادگی خود جهت عمل مشترک با نیروهای آمریکائی، برای مداخله در کشورهای خلیج و تحریک برای اشغال نظامی آنها، گامهایی برداشته شود.

اسرائیل نیز به نوبت خود از این فرصت بهره‌برداری کرد و عزم خود را مبنی بر انضمام ارتفاعات جولان سوریه به خود اعلام داشت. تجاوزات خود به لبنان و عملیات قلع و قمع علیه مردم عرب در ساحل باختری و نوار غزه را تشدید کرد و با تلاش برای جلب توجه افکار جهانیان به سوی میدان جنگ عراق و ایران، کوشش برای تبرئه خود از تجاوز و از مسئولیت تشنج در منطقه را آغاز کرد.

این جنگ به ارتجاع عرب فرصت داد تا به جبهه پایداری تعرض کند، مبارزه خلقهای عرب علیه توطئه کمپ دیوید را تضعیف نماید و برای خنثی کردن مقررات کنکره رباط تلاش ورزد و رژیم دست‌نشانده اردن را به عنوان نماینده خلق عرب فلسطین، به جای نماینده قانونی و یگانه آن - سازمان آزادیبخش فلسطین - معرفی کند. بدین ترتیب، باند حاکم (برعراق) با ماجراجویی خود در برپا کردن جنگ علیه ایران، خدمت آشکاری به نیروهای امپریالیستی و تجاوزگران صهیونیستی و ارتجاع عرب کرد. پس کدام منافع میهنی یا قومی را میتوان بعنوان دستاویز برای برپا کردن این جنگ جازده و چگونه برای احدی ممکن است که ادعاها این باند در مخالفت موهوم با نقشه‌های امپریالیستی و تمرکز نیرو-های آن، مخالفت با پیمان کمپ دیوید و تجاوزات اسرائیل و رژیمهای دست-نشانده و ارتجاعی در وطن عربی راباور

کند؟ حوادثی که در انانای تبارکات برای این جنگ و همزمان با آن رخ داد، مواضع واقعی گروه حاکم در بغداد را آشکارا افشا کرد. این تدارکات مقرون بود با انعقاد قرارداد با رژیمهای دست‌نشانده و ارتجاعی در اردن و عربستان سعودی و عمان و سومالی و دیگر کشورهای خلیج. این جنگ در هماهنگی تام و تمام با مواضع خصمانه این دولتها علیه انقلاب ایران و اقدامات هماهنگ آنها با امپریالیسم و تمرکز نیروهای نظامی و نقشه‌های دشمنانه آن

برای توطئه کمپ دیوید و تجاوزات امپریالیسم و صهیونیسم علیه خلقهای عرب و تسلط امپریالیسم آمریکا بر منطقه. بدینسان باند حاکم در بغداد راضی شد که بوسیله و آلتی در دست امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و دست‌نشانده در منطقه بدل شود و آشکارا از تعهدات ادعائی خود مبنی بر دفاع از حقوق خلق عرب فلسطین، مبارزه علیه تجاوزگران صهیونیست و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی علیه امپریالیسم

و نقشه‌های تجاوزگرانه آن، شانه‌خالی کرد. باند حاکم در بغداد يك كانون جدید تشنج را در منطقه بوجود آورد و تعهدات خود را بعنوان یکی از دولتهای غیرمتعهد با خشونت نقض کرد و عدم شایستگی خود را برای مهبانداری کنفرانس سران آن در بغداد آشکار ساخت.

ادعاهای صدام حسین دایر به اینکه قصد جنگ با ایران را نداشت، در حقیقت يك دروغ مفتضحانه است. واضح است که تدارک برای این ماجراجویی، از هنگام ترلزل تخت شاه و اوج گرفتن موج انقلاب ایران، جریسان داشت، بطوریکه عناصر مرتد از بقایای رژیم شاه، از قبیل ژنرالها و فئودالها، پناه داده شدند و مداخله در امور داخلی

انقلاب ایران برای باند دیکتاتوری حاکم در بغداد کابوس است

ایران و راندن دهها هزار نفر از هم - میهنان عراقی به ایران، به بهانه اینکه ایرانی‌الاصل هستند، انجام گرفت. و بالاخره اعتراف‌های خودسیراکننده جنگ و تظلمها و تدارکات قبلی سیاسی و روانی برای این جنگ و اوج دادن موج خصومت دیوانه‌وار نسبت به انقلاب ایران در دستگاههای تبلیغاتی رسمی، همه اینها کذب ادعای عدم رغبت به افروختن جنگ را افشا میکند.

این جنگ همچنین يك انگیزه مهم از انگیزه‌های متعدد برای افروختن آنرا اقتضا میکند که عبارتست از خوف و وحشتی که باند دیکتاتوری و شرکای آنرا در عربستان سعودی و خلیج و غیره در اثر انقلاب ایران فرا گرفته بود،

مردم عراق با جنگ تجاوزکارانه باند تروریستی صدام حسین علیه ایران و رژیم دیکتاتوری در عراق مخالفند

زیرا يك خلق بی‌سلاح، در يك بیکار قبرمانانه، خروشیده، تا پایه‌های رژیم شاهنشاهی مسلح به تمام معنی کلمه و دستگاههای قلع و قمع وحشیانه‌اش را درهم کوبد و تخت طاغوت رابدوراندازد. کابوس انقلاب خلقی ایران، باند دیکتاتوری را برای تجمعات از سر نوشت نظیر برانگیخت و او را با شدت براه ماجراجویی و جنگ، به امید زنده بگور - کردن انقلاب ایران و از بین بردن نمونه توده‌ای آن و خاموش کردن تأثیر انقلابی آن در توده‌های خلق، کشاند.

در مرحله‌ای بعد از پیروزی انقلاب خلقی در ایران، بروز برخی پدیده‌های منفی، رژیم دیکتاتوری و «بهیروی آنرا فریفت، تا به امید پیروزی برق‌آسا، دست

یگانه راه حل بحران رژیم دیکتاتوری در عراق سرنگونی آن و استقرار يك نظام دمکراتیک اتلاف ملی در عراق است. فوری‌ترین وظیفه نظام دمکراتیک اتلاف ملی فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران و حل اختلافات از راه مسالمت‌آمیز و بسود منافع دو ملت دوست و مبارزه مشترك آنها علیه امپریالیسم و برای ترقی اجتماعی است.

به جنگ بزند. بویژه که رژیم از روی برخی پدیده‌های منفی و اختلافات داخلی و موضعگیریهای زیانمند نسبت به نیروهای چپ و حقوق خلقهای غیر - فارس در ایران و همچنین موضعگیری غلط نسبت به کشورهای سوسیالیستی چنین مرینداشت که انقلاب ایران يك شکار سهل و ساده خواهد بود. ولی باند حاکم، که امور را با مبارزهای ویژه خود می‌سنجد، نتوانست يك حقیقت آشکار را درک کند، و آن عبارتست از اینکه، بقیه در صفحه ۷

کارگران و زحمتکشان ایران مدافعان پیگیر میهن انقلابی

کارگاه خوب سر "رحیم صدیقی" نزدیک بل محمدحسن خان بابل واقع است. تولید اصلی این کارگاه "جعبه" است که برای بسته بندی میوه مورد استفاده قرار میگیرد.

در این کارگاه خوب بری یک کارگر و صاحب کارگاه ویر - مردی که در میان توده های خوب سرگردان است، دیده می شود. صاحب کارگاه آقای رحیم صدیقی، مرد میان سالی است که مشغول تیز کردن لوله بلند و گردی است. لباس از خاک آلوده به زردی کزائیده، از حیره اس پیداست که نشان زحمتکشی است. او به سئوالات درباره جنگ تحمیلی رژیم صدام و بالابردن تولید اینگونه ساخت داد:

"ما تا میتوانیم بایستد این بعضی ها را نابود کنیم و از میهن خود بیرون کنیم. آنها کودکان معصوم ما را در مدارس بمباران می کنند، باید آنها را در هم بکوبیم. از همین کارگاه یک نفر از کارگران ما، که منقذی خدمت ۵۶ بود، به جبهه جنگ رفته. اگر میماند اجازه میدهند صدام خان را زیر این آره ها قطع، قطع می کنیم. درباره بالارفتن تولید، رحیم صدیقی گفت: "ما میخواهیم و با تولید"

نمی خریم". محمدعلی محمدی، کارگر ساده، خوب بری "رحیم صدیقی" است و در حدود ۲۲ سال دارد. او یک کسای و زراست و بد عملت اینک الان وقت کسای و زراست نیست. در این کارگاه مشغول بکار گردیده. او درباره جنگ تجاویز رژیم صدام علیه ایران و بالابردن تولید چنین گفت:

"این صدام وحشی و بدتر از هیتلر، بیمارستانها و مدارس ما را بمباران میکند. ما باید تسلیم نشویم و آنقدر بایستد بجنگیم تا عراقیهای متجاوز را از خاک میهن خود بیرون کنیم". محمدعلی محمدی درباره تولید بیشتر گفت: "مادوبرادر هستیم با"

دولت هم باید وسایل مورد نیاز ما را ارزان تر بکند. ما هم تولید را افزایش خواهیم داد. حالا ما ۷ ساعت در روز کار می کنیم، ولی آن موقع بیشتر و حتی جمعه ها را هم کار خواهیم کرد".

رحیم صدیقی درباره کوپنی شدن بعضی از کالاها، مانند قند و شکر، گفت: "خیلی خوب شده، برای اینکه قیمتها همه جا یکسان است و سرمایه دارها دیگر نمیتوانند احتکار کنند. مثلا شکر قیمتش ۴ تومان شده بود، ولی حالا همه جا ۲۴ ریال فروش میرسد. اگر دیگر کالاها مانند روغن و گوشت و برنج و غیره را هم کوپنی بکنند، بهتر است. برای اینکه در این صورت ثانوی است و دیگر گوشت را کیلویی ۵۲ تومان

را بالابیریم. در حال حاضر تولید روزانه ما ۱۰۰ جعبه است. بعضی مواقع برای دیگران خوب هم آره می کنیم. یک هفته پیش میخ را یک کارتون ۲۷۰ تومان می خریدم، حالا کارتون ۳۱۵ تومان شده است. آره ها را متری ۲۰ تومان می خریدیم، ولی حالا متری ۳۱ تومان شده. دستفروشا میتوانند از ما جعبه نخرند و به حیای آن از نایلون که، ارزانتر است استفاده کنند. در آمد ما بسیار کم است. پارسال قیمت جعبه ۷ تومان بود، الان هم ما آنرا ۷ تومان می فروشیم. به علت وضع نامساعد برق و اینکه یک دستگاه بیشتر نداریم و گران، تولید بیشتر برای ما مشکل است. با وجود همه این مشکلات، ما حاضریم تولید را تا آنجا که ممکن است بالابیریم، البته

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از میهن انقلابی دفاع کنید!

توضیح درباره نامه «تکذیب» شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی

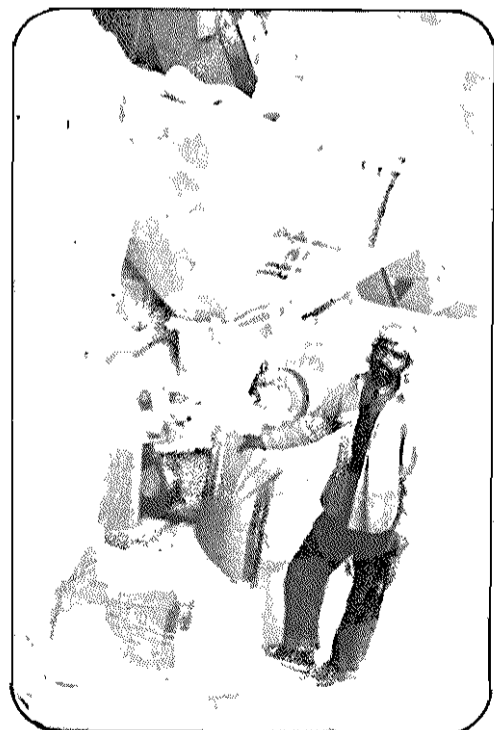
۶ کیلومتری زیرآب (بین زیرآب و فیروز - کوه) قرار گرفته است، از امکانات خوبی برخوردار است و نام آن "مرکز درمانی و بهداشتی آزاد مهر" است. بنابراین، در منطقه زیرآب، شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی ۲ درمانگاه دارد. گزارشی که درباره مردم، شماره ۳۵، درج شده بود، از "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز درمانگاه زیرآب" تهیه شده بود، که بطور اختصار "درمانگاه ذوب زیرآب" درج شد. متأسفانه وضع کنونی درمانگاه زیرآب همان است که بود و تنها تفاوتی که با وضع سابق کرده، اضافه شدن یک دندانپزشک است.

مورد از طرف خبرنگار نامه مردم صورت گرفت، برای روشن شدن اذهان عمومی لازم شد، نکاتی را به اطلاع برسانیم: در زیرآب دو درمانگاه وجود دارد: یکی دولتی است و دیگری به نام "مرکز درمانی و بهداشتی واحد ذغال البرز درمانگاه زیرآب"، که متعلق به شرکت ذغال سنگ البرز مرکزی است و در مجاورت معادن ذغال سنگ قرار دارد. این درمانگاه، که در "آزاد مهر"، حدود

مشکلات درمانگاه ذکر شده بود. در واقع بیماران هنگام شب حق بیمار شدن نداشتند و اگر هم مریخی می شدند، باید آن قدر تحمل می کردند، تا به وسیله ماسک خاصی به درمانگاه انتقال یابند. در این باره، تکذیب نامه ای از جانب شرکت ذغال سنگ "البرز مرکزی" به تاریخ ۵۹/۸/۳ دریافت کردیم، که عین آن در نامه مردم به چاپ رسید. طبق تحقیقات مجددی که در این

در نامه "مردم"، شماره ۳۵، مورخ ۲۵ مرداد ۵۹، خبری تحت عنوان "وضع نامساعد درمانگاه زیرآب" درج شده بود. در این خبر مشکلات و کمبودهایی را بر شمرده بودیم که از جمله عبارت بود از: کمبود پزشک در این درمانگاه، یک سکتای دکتور عایدی، پزشک درمانگاه دولتی زیرآب، یکی دو ساعت در روز به یوزیت بیماران می پرداخت. پزشک یار درمانگاه، هم وظیفه داروخانه ای را بر عهده داشت و هم وظیفه ویزیت بیماران را در موقع نبودن پزشک. نبودن تلفن و آمبولانس از دیگر

کارگران کارخانه گچ و آهک قم نیز آمریکا را سبب اصلی تجاوز صدام می دانند



اگر به رهبری امام خمینی متعبد باشیم، همیشه پیروزیم.

دربین کارگران این کارگاهها امراضی چون سل، تراخم، تنگی نفس، امراض یوستی، سنگ کلیه... سیوع دارد. کارگاههای گچ قم، که در بیشتر آنها کوره های آهک پزی هم قرار دارد، بصورت واحد های بهم فشرده ای حول معادن سنگ گچ قرار دارند. با آنکه درآمد این واحدها بسیار ستر است، اما متأسفانه در شرایط کار و میزان دستمزد و ساعت کار کارگران این واحدها، نسبت به قبل از انقلاب تغییر عمده ای پدید نیامده است. دستمزد کارگران در محیطی فاقد لباس کار، ماسک، هواکش و حمام، در ازای دهالی چهارده ساعت کار، تنها حدود یکصد و بیست تومان در روز است. بیشتر کارگران این واحدها معمولا از روستا های آذربایجان و همدان هستند و برای اندوختن اندک ذخیره مالی، حتی در روزهای تعطیل هم مجبورند کار کنند. در هر کارگاه حدود بیست نفر کارگر کار می کنند که حدود دوازده نفر در قسمت کوره های گچ، چهار نفر در کوره های آهک و چهار نفر دیگر در قسمت های دیگر سرگرم کارند. از کارگران در قسمت "دمن کوره ها"، کنترل و پروخالی کردن کوره ها، حمل گچ و آهک و غیره استفاده می شود. ضمن گفتگویی با کارگران کارگاههای گچ و آهک قم، کارگران آمادگی خود را برای مقابله با تجاوزگران صدامی اعلام کردند. آنها آمریکا را سبب اصلی تجاوز رژیم صدام به خاک میهن ما می دانند. برای نمونه نظر سه تن از آنان را در زیر ذکر می کنیم:

برای اسباب عادلانه بودن جنگ ایران علیه تجاوز دار و دسته صدام تکذیبی، چه ساهدی معتبر تر از این که زحمتکشان ایران و بطور عمده طبعه کارگران ایران، در عین شرایط غیر انسانی کار و سه در خور انقلاب عظیم مردم ایران - تا پای جان در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب ایستاده اند.

از جمله ساهدان این مدعا، کارگران کوره ها و معادن گچ و آهک قم هستند که با چهره موی سیب از غبار گچ و آهک، به کاری طاقت فرسا اشتغال دارند.



برای پاسداری از انقلاب، کار و جنگ فرقی ندارند.

خواستهای حقه خود، استفاده از حربه های چون اعمتار، رامفید بحال انقلاب نمی دانند. پس بر مسئولان امر است که خواستهای قانونی کارگران را، که اهم آنها عبارتند از: استفاده از بیمه های اجتماعی، برخورداری از ایمنی محیط کار، نظارت بر دستمزد رابیش از این به عهده تعویق نیاندازند. زیرا تعقیق انقلاب، بویژه در این برهه حساس نبرد حق و باطل، تنها در سایه پیوسته شرایط زیست زحمتکشان بخصوص طبقه کارگر ایران ممکن است.

"آمریکا صدام را جلو انداخته است و اگر نهدون کمک آمریکا، صدام جرات چنین کاری را نداشت."
"این جنگ را آمریکا بوجود آورده است."
"آمریکا صدام را به جنگ با ما وادار کرده است. در صورتیکه ما، تحت رهبری امام خمینی متحد باشیم، حتما پیروز می شویم. این را من مطمئن هستم."
کارگران در شرایط کنونی جهت رسیدن به

یک مادر پیر، جمعا ۲۵۰۰ متر زمین داریم. الان برای بیکار است و من اینجا کار می کنم. چون الان زمستان است و فصل کشاورزی نیست، ما باید بیشتر تولید کنیم و به دولت کمک کنیم که عراق را شکست دهد. ما باید کار را در دست بگیریم. برای بالابردن تولید من حاضرم حتی روزهای جمعه را هم کار بکنم.

محمدعلی محمدی درباره وضع گرانی و مقدار حقوق و ساعات کارش گفت: "ما روزانه ۷ ساعت کار می کنیم و بعضی وقتها که برق نیست، ساعات کار ما کمتر است. روزانه ۴۲۰ ریال حقوق می گیریم. میدانی که الان زمان جنگ است و سرمایه دارها از این موقعیت سوء استفاده می کنند و کالاها را احتکار می کنند و می زنند، با این وضع گرانی، من باید با این حقوق ۴۲۰ ریال زندگی خود را بچرخانم."

درباره کوپنی شدن بعضی از کالاها مانند قند و شکر گفت: "خیلی خوب شده، مخصوصا برای ما کارگرها. قیمتها پایین آمده و همه جا یکی است. دولت باید گوشت و برنج میوه را هم کوپنی کند. اینطوری خیلی خوب میشه". غفور حسین زاده نوری بزمرد ترکه لباس سیاه و حشمان گود افتاده اس، حاکی از غم و اندوهی بزرگ است که بر قلب بردردش سنگینی می کند، نزدیک می شود و لب به سخن می گشاید:

"من غفور حسین زاده نوری نگهبان مهد کودک سرپل محمد حسن خان بابل هستم. مرا از تاریخ ۵۹/۷/۱۶ باز نشسته کرده اند. من میگویند سن ترازو ۶ سال گذشته است. جمع حقوقی که در ماه طبق حکم رسمی با بدبمن بدهند، ۲۶۳۴۴ ریال است. ولی قرار است حق اولاد را از من کسر کنند و در این صورت حقوقم ۱۶۶۶۸ ریال خواهد شد. خالام اینجاست و سعی میکنم به اندازه حد قابل پول بگیرم. در آمد من بدست آورم. میخواهند مرا با ۴ فرزند و یک همسر از خانه ای که در آن سکونت دارم و سرایداری مهد کودک را می کنم، بیرون کنند. من با این حقوق نمیتوانم بروم. چاره نشینی، بمن می گویند، توبای زنشسته شده ای و باید بروی و اگر نروی، پادار میآوریم. اناشبهات را بیرون میریزیم. من میگویم به من خانه ای برای سکونت بدهید تا من هم از اینجا بروم."

غفور حسین زاده نوری درباره جنگ رژیم صدام علیه ایران گفت: "من یکی از پسرهای به نام حسن حسین زاده نوری در جبهه جنگ شهید شده. جسدش را هم پیدا نکرده اند. (اشک - ها پیش را با دستمال پاک میکند و ادامه میدهد) پسر دیگرم، علی حسین زاده نوری، ۲۰، ۱۰، روز میشود که به جبهه جنگ رفته."

او ادامه داد: "باید همگی همت کنیم و صدام خان را خفه کنیم و ایران را پیروزیشه، یک پسر را در راه امام حسین شهید داده ام، پسر دیگرم را هم به میدان نبرد فرستاده ام. باید بجنگیم و پیروز بشیم و کشور ما آزادیته و اجازه ندهیم که دیگر به ما زور بکنند."

غفور حسین زاده نوری درباره کوپنی شدن کالاها بی نظیر قند و شکر چنین گفت: "اینکارا دولت خیلی خوب است. من آنرا خیلی قبول دارم. اگر گوشت و برنج را هم کوپنی بکنند، خیلی خوبست. همه چیز ارزان میشود. تا ما پول زوریه این سرمایه دارها ندهیم."

مبارزات روستائیان برای نابودی آمریکاست با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی آنان رایاری کنید!

"فئودال نابود است، دهقان پیروز است". "مرگ بر زمین دار، مرگ بر آمریکا"

اینها از جمله انبوه شعارهایی بودند که بویژه پس از پیروزی انقلاب، در فضای روستاهای کشورمان طنین افکند. روستائیان زحمتکش مهبان، که به همراه سایر زحمتکشان، زندان آهنین رژیم خائن و وابسته به آمریکای خونخوار را ویران کرده بودند، مصمم شدند که ریشه بزرگ مالکان را نیز بخشکانند، در سرزمین انقلابی خود صاحب زمینهایی بسوند که سالیان سال آنها را برای این انگلها کست کرده بودند، ولی خود در فقر و فلاکت بسر می بردند.

دهقانان زحمتکش مبارزات خود را به باری نهادهای انقلابی، حوس جهادسازندگی و سامانداران و دیگر نهادهای انقلابی، گسترش دادند. لیکن زمینداران بزرگ و ایدئولوژی آنها و نیز لیبرالها، که از اوجگیری این مبارزات به وحشت افتاده بودند، در برابر حرکت آنان سدها و موانعی را قرار می دادند. آنها در واقع در برابر انقلاب و استحکام جمهوری اسلامی ایران مانع می تراشیدند و می خواستند آنرا تضعیف کنند.

روستائیان به حق، زمینداران بزرگ را مزدوران آمریکا میدانند. حبس انقلابی روستائیان، بویژه پس از اعلام طرح انقلابی اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، اوج بیشتری یافت. به کمک نهادهای انقلابی و مسئولان متعدد، روستائیان در برخی از مناطق به بعضی از خواستهای خود رسیدند، لیکن خواست اصلی آنان، یعنی واگذاری اراضی، در برخی نقاط دیگر هنوز برآورده نشده است، زیرا که بزرگ مالکان، عقول ستاد واگذاری زمین، ایجاد مشکلات و تضییقات میکنند. روستائیان بی زمین و کم زمین هم اکنون آمادگی کامل دارند، تا با هم و حمایت نهادهای انقلابی و هیئت های هفت نفری، تکلیف خود را با زمینداران بزرگ بکسره کنند و صاحب زمینهایی گردند که این زمینداران غارتگر آنها را غصب کرده اند.

در برابر اعمال فشار و اقدامات ضد انقلابی بزرگ مالکان، باند نیروی روستای مهرآباد در فاصله ۱۵ کیلومتری شرق جنوب شرقی داراب، در حاشیه جنوبی دشت آبشور قنار قرار دارد.

روستا دارای یک مدرسه ابتدایی با دوازده دانش آموز است و سازماندهی کارولوله کسی بی پایان رسیده است. بوسیله هیئت ۷ نفری ۲۸۰ هکتار زمین به ۶۲ نفر خوش نسین این روستا واگذار شده است. فعلا حدود ۵۰ نفر از این تعداد، آمادگی خود را جهت کشاورزی اعلام داشته اند. حدود بیست سال پیش این روستا در مجاورت رودخانه آبشور قرار داشته، که در اثر طغیان رودخانه ویران شده است. از آن زمان روستا در محل فعلی، که چند کیلومترتری با رودخانه فاصله دارد، احداث شده است. یکی از روستائیان وقتی از ظلم هاوتجاوزات عمده مالک دهتمصرف میکرد، از جمله میگفت: "از زمانیکه خانه های ما کنار رودخانه خراب شد و به محل فعلی کوچ کردیم، به هر خانوار یک تخته پتو

عظیم انقلابی دهقانان زحمتکش را به حرکت درآورد و بسیج کرد و وارد میدان مبارزه با اربابان نمود.

گاهی به مبارزات دهقانان تعدادی از روستاهای تابعه بجنورد، واقع در استان خراسان، نسانی از این آمادگی است:

روستای غلامان، واقع در بخش غلامان، از توابع شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا ۴۰۰۰ نفر (چهار هزار) ساکن هستند. دهقانان بی زمین و کم زمین این روستا و نیز دهقانان خرده ما، در تمام طول زمستان گذشته، برای تصویب طرح انقلابی اصلاحات ارضی به دفعات دست به راهپیمایی زدند. خواست اصلی این دهقانان اجرای صحیح و دقیق اصلاحات ارضی به سود آنان بود. در این راهپیمایی ها دهقانان شعارهایی که حاکی از نفرت آنان از آمریکا و بزرگ مالک بود، از قبیل: "ارباب نابود است، دهقان پیروز است"، "داغده شاه کزرمز (کوه وصحرا را می گردیم)" و "آمریکازرمز (آمریکا را نابود می کنیم)" و "هانی گرگ بیرون، آمریکا نابودالسون" می دادند. خواستهای دیگر ایس دهقانان زحمتکش، نامی امکانات و وسایل کار از قبیل کود و سدر و تراکتور و نیز امکانات بهداشتی و درمانی است.

روستای محمد آباد یکی از روستاهای دهستان شوقان، واقع در بخش جاجریم است و ۳۰۰ نفر شکه دارد. دهقانان تپه دست، یعنی زحمتکش ترین و محروم ترین مردم این روستا، بارها علیه غارتگران و توطئه گران روستا، سعی بزرگ مالکان دست به اعتراضات دسته جمعی کردند. این اعتراضات به دهقانان به دفعات سکایت نامه های دسته جمعی برای مقامات مسئول ارسال داده دارد. خواست اصلی ایس روستائیان زحمتکش اجرای سریع قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است. در تمام راهپیمایی های روستائیان زحمتکش روستای محمد آباد، همواره شعارهای "درود بر خمینی" و "مرگ بر فئودال" و "برای کسی نیست جز حاصل کارش" طنین افکند. روستای قزلر یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان، واقع در شهرستان بجنورد خراسان است. در این روستا

۲۰۰ نفر زندگی می کند. متأسفانه از آن سال گذشته تا کنون، دوبار میان روستائیان این روستا و اهالی روستای اینچه علیا، سر سر زمین هایی که در محدوده دو روستا است، برخورد ایجاد شده است، زیرا تعیین تکلیف به عمل نیامده و اهالی این دو روستا ادعای مالکیت اراضی مذکور را دارند. انگس اربابان و سودجویان در تشدید این اختلاف دیده می شود. لازم است هرچه زودتر و به منظور جلوگیری از سوء استفاده ضد انقلاب از این اختلافات تکلیف اراضی مذکور معلوم شود و با توجه به وضع اراضی و اوضاع محل، قانون اصلاحات ارضی به اجرا درآید. این عمل موجب تقویت سنت جبیه خواهد شد و زمینه را برای محیط تفاهم و همکاری برادروار و در نتیجه رسد تولید زراعی، که این همه کشور ما به آن نیاز دارد، فراهم خواهد ساخت.

روستای اینچه سفلی، در بخش مانه، ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد کلیه روستائیان روستای اینچه سفلی، از آن ۵۸ حدیث بار به اقدامات جمعی و ارسال سکایت نامه اقدام کرده اند. این روستائیان خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. این روستائیان حتی یکبار با بسیاد مستضعفان بر سر تحقق خواستشان به توافق رسیدند.

هر قدر زودتر مسئله رمس حل شود، دهقانان زودتر و بهتر میتوانند در جهاد کشاورزی فرموده امام فعالتر شوند.



سرکت کنند. * روستای اینچه علیا، در بخش مانه، ۲۰۰۰ نفر جمعیت دارد. روستائیان بی زمین و کم زمین روستای اینچه علیا مصرانه دست به اقدام جمعی زدند تا به اراضی مزروعی که بوسیله خانواده مغفور سلوی غصب شده بود، رسیدگی شود و سر از رسیدگی به صورت تقاضای به زیر کس رود این دهقانان هم اکنون نیز در کنار سایر برادران و خواهران روستایی آماده اند تا توطئه جدید بزرگ مالکان را خسی کنند.

* روستای گلستان، یکی از روستاهای بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد استان خراسان، ۶۰۰ نفر سکه دارد. دهقانان تپه دست روستای گلستان در طاهران اقدامات خود خواستار رسیدگی به وضع اراضی بزرگ مالکان بودند. سال گذشته در ماه های زمستان و به خاطر مقاله در زمینداران بزرگ و واگذاری زمین به دهقانان، این مبارزه اوج گرفت و به نتیجه رسید. آنان به هنگام اعتراض جمعی شعار می دادند: "به گفته خمینی، دهقان زمین دار باید گردد. اکنون هم ما تکیه به نیروی لایزال دهقانان زحمتکش است که هیئت های ۷ نفری می توانستند سر سسات بزرگ مالکان فائق آیند.

* روستای کارانترو، واقع در بخش مانه، نیز به دفعات به تظاهرات اقدامات جمعی و ارسال سکایت نامه اقدام کرده اند. خواست اصلی این روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است. مضمون کلی تمام شعارها به هنگام حوطلی ها عبارت بود از: "چرا مالک بالای صد هکتار زمین داشته باشد و ما نان خوردن نداشته باشیم". آنان همچنین خواستهایی حوس نامی آب آسایشی، نامی امکانات درمانی و بهداشتی و سر نامی وسایل و امکانات کار دارند، تا سر از آنان حکم تا تمام بیرون آید. در این راه اقدامات جمعی و ارسال سکایت نامه رده اند. خواست اصلی آنان رسیدگی به وضع

اراضی و اجرای قانون اصلاحات ارضی به سود آنان است. لازم است تدکراس که اراضی کشاورزی موجود در این روستا، کفاف جمعیت را نمی کند. همچنین اکثر حواصان هاور برای کارگری به تهران و شهرهای مازندران می روند، لیکن سکوت آنان موقتی است و مجدداً به روستا بار میگردند. ضروری است که سر از رسیدگی هیئت هفت نفری به وضع اراضی بایر وموات، مطابق قانون اصلاحات ارضی، دولت با تدارک وسایل و امکانات کار برای روستائیان در مقابل کست کردن اراضی مذکور به آنان یاری رساند و آنان را نیز تشویق به کار تعاونی در این اراضی کند. همچنین باید در این روستا صنایع چینی ایجاد شود و از نیروی حواصان روستا استفاده صحیح به عمل آید.

* روستای لنگر سملقان در بخش مانه و سملقان در شهرستان بجنورد خراسان قرار دارد. جمعیت این روستا ۳۶۰ نفر است. دهقانان بی زمین و کم زمین روستای لنگر سملقان سکراب دست به اقدامات جفعی زداند. توضیح ایس که، در ایس روستا زمینهایی وجود دارد که قبلاً مردم روستا از صاع طبیعی گرفته اند و اختلاف بر سر تقسیم این زمینها را باید هیئت ۷ نفری با اجرای قظی قانون حل وصل کند. شعارهایی که آنان در اعتراضات حویس می دادند "مستضعف پیروز است، مستکبر نابود است" و "خمینی رهبرماست، مستکبر دشمن ماست" بود. روستائیان می گویند که زمینداران باید از زمینهای که از صاع طبیعی گرفته شده است، حسم نوسنی کنند. آنان همچنین خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی در مورد زمینهای واقع در محدوده روستاهستند. این روستائیان از دولت می خواهند که سدر و کود و وسایل کشاورزی در اختیار آنان قرار دهد. تا در "جهاد کشاورزی" فعاله شرکت کند و سهم خود را در آردیاد محصول زراعی و دامی و سکست توطئه های خراکارانه آمریکا و اربابان ادا نماید. این دهقانان هم اکنون با سرک در سرکهای حکم علیه مجاور رژیم صدام و در کسراهای بولید علیه محاصره اقتصادی آمریکا، از اغلاب خود طاطعانه دفاع می کند.

دوش بدوش شما در مقابل ایس فئودال های استادگی خواهیم کرد". در سرایتی که بعلت کارکنی ها، هیئت های ۷ نفری کار خود را در منطقه داراب تعطیل کرده و به سیرازرفته اند، ضرورت وجود آنها کاملاً احساس میشود. دهقانان میگفتند: در صورتیکه ایس معوق ماندن کار هیئت ۷ نفری ادامه پیدا کند، با توجه به توطئه های فئودالها و احتیاجی که از طیسرف دهقانان وجود آنها برای مسود، امکان درگیری در منطقه زیاد است. نماینده اهالی مهرآباد میگفت: وقتی مامورین برای تعیین محل جاه ما باند، حتماً لازم است که لااقل یکی از هیئت ۷ نفری با آنها باشد، چون ممکن است عمده مالک وسرانس ناراحتی ایجاد کند. وقت آنست که انقلاب، دیگر فاطعانه وضعی را بوجود آورد که عمده مالک، قانون خودش را اعمال نکند، بلکه قانون جمهوری اسلامی ایسران حکمفرما باشد و توده دهقانان مستضعف بدانند که انقلاب مال آنها و با آنهاست.

فراهم میکنند، از جمله اقدام به حفر چاه غیرمجاز در این اراضی کرده اند. مزاحضهای آنها بحدی است کداهالی خواستار حضور مجدد هیئت ۷ نفری در منطقه هستند. ساعنده اهالی وحوش نسینها، که از طرف هیئت ۷ نفری تعیین شده است، میگفت: همه ما در صورت لزوم حاضر به رفتن به جبهه جنگ هستیم و تاکنون ۲۴ راس گوسفند و مقداری نان و خرما به جنگ زدگان کمک کرده ایم و وقتی برای جمع آوری کمک به بزرگ مالک نروئمند مراجعه کردیم، ایشان حتی یک سرخرما هم کمک نکرد. وقتی برای آنها توضیح داده سده که البته در صورت لزوم سبایستی در جنگ شرکت کنید، ولی در ایس شرایط، زراعت و تولید هم دست کمی از سرکت در جنگ ندارد و شما ضمن اسجاد و همیسنکی، باید هر چه زودتر کار کشاورزی را شروع کنید، گفتند: "ما ۵۰ نفر کاملاً با هم متحد هستیم، حتی ۱۲ نفر بقیه از ۶۲ نفر به ما قول داده اند که در صورت لزوم

گذری به روستای مهرآباد آبشور

این ۵۰ تن با برق عبارتند از خانه مالک و پسرانش علاوه مسجد که برق این خانه بوسیله نصب ژنراتور روی موتور پمپهای آقای کسرتامین میشود. در حال حاضر سیرا واگذاری بین اراضی به اهالی، عمده مالک و پسرانش بخصوص مزاحضهای زیادی برای آنها

ویکصد تومان پول دادند. بزرگ مالک ده مارا مجبور کرد که با صد تومان پول بپتنو را بایشان بدهیم، و چون قدرت داشت، همه اطاعت کردند."

و نیز چنین میگفت: "وی ادعای مالکیت بر تمام اراضی اطراف مهرآباد داشت، در قسمتی از این ۲۸۰ هکتار اراضی زراعت میکرد و بقیه رانه خود زراعت میکرد و نه کسی جرأت داشت حتی از داخل آن عبور کند. اگر گاو یا گوسفندی وارد زمینها و یا زراعت او میشد، گاو و یا گوسفندان را توقیف میکرد و منظر میبامد تا صاحبش برای پس گرفتن باو مراجعه کند و آنگاه او شروع به فحاشی و احتمالاً کتک کاری میکرد و برای همین بیشتر اوقات مردم از گاو و گوسفند خود میگذشتند و باو مراجعه نمیکردند. عمده مالک، که علاوه بر این اراضی دارای یک باغ وسیع (مرکبات و نخسل) در مهرآباد است، در روستاهای مجاور و از جمله روستای فدای نیز باغ و زمین دارد. دودستگاه موتور پمپ در باغ مهرآباد عمده مالک کار میکند، در این روستا حدود ۵ خانه دارای برق است

دهقانان چشم بر آهند: هیئت های ۷ نفری باید هر چه زودتر وقاطع تر کار واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین را به انجام برسانند

لیبرال ها و مسئله طبقات اجتماعی

روشنفکران لیبرال، به ویژه نویسندگان روزنامه "میزان" سخت از "مبارزه طبقاتی" و ذکر عبارت "طبقات اجتماعی" بدشان می آید و این را اختراع من در آوردی، از پیش خود و دروغین مارکسیست ها می دانند و چون در تنبیه قاضی رفتن استادان کل هستند، جزو هاش را هم نوشته اند و "پوچی" این اندیشه را به ضرب استدلال به دعوی خودشان منطقی و باصلاح اسلامی، گویا مدتهاست "ثابت" هم کرده اند!

خلاصه این "استدلال" اینست که: در جامعه تضادهای عاطفی (مانند حسد و بخالت و جاه طلبی و غیره) از تضاد مادی و "سکمی" که گویا مارکسیست ها آن را تحت عنوان "تضاد طبقاتی" بزرگش می کنند، زیرا مادی و دنیا دوست و شکم پرست هستند (۱) به مراتب حادث تر و مهم تر است و این که گویا موافق تاریخ ادیان، اولین تضاد در تاریخ، تضاد هابیل و قابیل بود، که آن هم بر اساس حسادت بود و نه بر اساس شکم و یا مال داری، که در قبال آن، تضادهای عاطفی شرکتمتری محسوب می شود!

سطح استدلال و سطح ردیه - نویسی پر مارکسیسم تحت عنوان "علمی" در کشور ما، در همین حدودها است، و این الحق قابل تأسف است. این آقایان وقتی از علمی بودن این اصطلاحات سخن می گویند، به فریاد می آیند که، علمی یعنی چه، این اصطلاحات اسلامی نیست! ما نمی دانیم چگونه بکار بردن اصطلاحات علمی در ترمودینامیک و وارد کردن آن در مسائل تفسیری و قرآنی مجاز است، ولی بکار بردن اصطلاحات علمی جامعه شناسی مجاز نیست!

چرا این "استدلال" به میان کشیده می شود؟ برای آنکه اصل مسئله جامعه ما، یعنی مبارزه دهقانان بی زمین و کم زمین علیه خانها و بزرگان مالکان، مبارزه مردم زحمتکش و تنگدست علیه سرمایه داران وابسته و محنتگر، که یک مبارزه اجتماعی و اقتصادی است، لوث شود. مثلا گفته شود که فلان کس سرمایه دار نیست، بلکه مرد فعال و مبتکری است که توانسته است با مساعی خود یک اقتصاد موفق راه بیاندازد، ولی تنبلها و بیکارها و بی ابتکارها به جنین آدمی "حسادت" می کنند. لذا آن فرد مبتکر و فعال نیست که مقرر است، حسودها مقصدند که جسم ندارند ببینند و به جای آنکه تنبلی خود را کنار بگذارند و آن ها هم بروند میلیونر بشوند و بیخود به میلیونرهای معصوم "حسادت" نکنند، جنجال می کنند که ما مورد "استعمار" قرار گرفته ایم. استعمار

چيست؟ طبقات متضاد چيست؟ اين اصطلاحات "اسلامی" نيست! اين يك قصه "کهنه ايست که تنها اختراع "تئوری دان های" لیبرال وطنی ما نيست. در سراسر آمریکا و اروپای غربی، یکی از انواع استدلالات عامیانه و عوام فریبانه علیه مارکسیسم، همین است. حتی شاه ملعون و زنتی فرح و خواهرش اشرف نیز این تئوری "حسادت" را بارها تکرار می کردند. مبارزه بحق مردم علیه ستم و غارت خاندان پهلوی به عقیده این حیوانات نتیجه "حسادت و بخالت" بود. "میزان" را بخوانید، همین حرفها تکرار شده است و می شود.

موافق این فلسفه "ابلهانه، ریشه انقلابها" "حسادت تنبلها و احمقها" (که متأسفانه گویا اکثریت دارند) علیه افراد "لایق و مبتکر" است (که متأسفانه اقلیت دارند)!

به این ترتیب کشف علمی مهم کسانی که از قرن نوزدهم، حتی مدت ها پیش از مارکس، مسئله وجود طبقات اجتماعی را در ارتباط با اقتصاد اجتماع، با تولید اجتماعی، با مالکیت، به میان کشیده اند و نقش این تضاد طبقاتی را در حرکت اجتماعی دیده اند، به یک ضرب رد می شود! فقط باقی می ماند حسادت ابدی قابیلها علیه هابیلها، که البته قابیلها در اینجا توده های زحمتکش اند و هابیلها گردنه گیران مولتی میلیاردر!

ما دچار این پندار کودکانه نیستیم که افرادی را که، درست بر اساس منطق طبقاتی، وجود عینی طبقات را منکر می شوند، قانع کنیم. در سابق این اختراع ساواک بود که بجای تضاد طبقاتی می گفت: "نفرت طبقاتی". این اختراع امپریالیسم است که وقتی قادر نیست تنوع اجتماعی را منکر شود، آن را به "فترت بندی" مشاغل" تقلیل می دهد و صدها قشر (ستراتوم) در جامعه فرض می کند، تا به نحوی از انحاء از شر "طبقه" خود را خلاص کند و کارگر را هم شغل مثلا آقای دیوید راکفلر معرفی می کند! حقه قدیمی است و تازگی ندارد. ولی مسئله طبقات و تضاد طبقاتی در جامعه ما مطلبی است که هر قدر هم قلم به دستمان بورژوا در سفسطه ماهر باشند، در صحنه زندگی خود را نشان می دهد و نمی توان آنرا منکر شد. تضاد فاحش فقر و ثروت در جوامع طبقاتی چنان است که نمی توان منکر آن شد.

در جهان ما اکنون دو نوع نظام اجتماعی مبتنی بر دو نوع مالکیت وجود دارد: (۱) مالکیت همه اجتماع بر وسایل تولید (ماشین و زمین و وسایل

ارتباط)، (۲) مالکیت قشرهای محدودی به نام کارخانه دار، بانکدار، سهام داران بزرگ شرکتها، مالکان بزرگ اراضی، صاحبان بزرگ مستغلات و غیره. یکی از این نظامها را جامعه - گرایی (یا سوسیالیسم) می نامند. نظام ایران پس از برانداختن استبداد، در مقابل این سؤال قرار گرفته است که: در چارچوب درک راستین از مبانی اسلام، کدام یک از این دوره را، در چارچوب آموزش و بینش خود، باید مورد توجه قرار دهد و مسئله را چگونه باید حل کند؟

لیبرالها سالهاست فریاد می زنند که در قرآن آمده است: "ولا تنس نصیبک من الدنیا"، لذا مال داری و ملک داری و بازرگانی و کارخانگی و داری و غیره، به نظر آنها، با تعالیم



اسلام مخالف نیست. مسلمانان انقلابی هم سالهاست می گویند که در قرآن آمده است: "لیس الانسان الاماسی ریشه هر چیزی متعلق به انسان وسیع و کار اوست و احدی حق ندارد از کار دیگری (کار کارگران و دهقانان) زور اندوزی کند. آنها می گویند که اسلام از همان آغاز به یاری توده های مستمند و یا، به قول امام خمینی، "کوخ نشینان" برخاست و پیغمبران علیه "مترفین" و "ملا" و "گنجینه سازان زر و سیم" به سود "مضعفین" و خوار شدگان روی زمین، وارد میدان شده اند، و این "وعاظ السلاطین" بودند که سعی کردند برای غارتگری قشرهای ممتاز، جامعه شرعی بدوزند. در انقلاب اسلامی ایران این بحث از همان آغاز پدید شد. لیبرالها تفسیر دلخواه خود را به سود

سرمایه داری و بزرگ مالکی و مالکیت نامحدود مطرح کردند. مسلمانان انقلابی نیز استنباط خود را علیه مالکیت نامشروع و حرام بسود توده های زحمتکش در میان نهادند و بیانات امام خمینی در این زمینه کاملا صریح و روشن است. این مطلب نتیجه "القاء ایدئولوژی دنیا پرستان" یا تاثیر این و آن نیست. این مطلب ثمره واقعی است که در دهه و شهر، در کارخانه و بازار، وجود دارد و انقلاب ایران نمی تواند در باره آن ساکت بماند. این مطلب را نحوه ادامه انقلاب و شکل گیری آن و نه سازی جامعه به میان آورده است و از آن نمی توان گریخت.

این مسئله در انقلاب مشروطیت نیز طرح شد، منتها آن ایام لیبرالها توانستند، به یاری امپریالیسم انگلستان، مصلحن بنیادگرا و دمکرات های انقلابی را نابود کنند (جسمانابود کنند) و بعدها به دست خاندان پهلوی نظام شوم سرمایه داری وابسته را در ایران بنشانند.

حالا هم در این انقلاب، عین همان وضع است. لیبرالهای امروزی می خواهند با استفاده از کمک مستقیم و غیرمستقیم آمریکا و انگلیس، مسلمانان انقلابی را، که خواستار اجراء عدالت و قسط اجتماعی هستند، از میدان بدر سازند و بعد جاده را برای اویسیها و پالیزیبانها بکشایند، تا به دنبال آنها، همه سرمایه داران و ملاکان فراری یا خانه نشین میدان دار شوند و حتما خون تازه ای مانند ۲۸ مرداد ۳۲ در ایران براه اندازند و آن هم به مراتب و به مراتب بزرگتر از ۲۸ مرداد ۳۲، چون انقلاب به مراتب ژرف تر و تعهد آن به مراتب وسیع تر است. لیبرالها جاده کوب فاجعه عظیمی هستند که، وای بر انقلاب، وای بر جامعه، اگر پیروز شوند!

در پس سیمای بی آزار و بیوفسور - مآبانه برخی لیبرالهای مسلمان (مسلمان به معنای دلخواه آن) یک چنین فاجعه مخوفی وجود دارد. آنها در مسجد و منبر، با توسل به آیات و احادیث، این راد خونین را هموار می سازند.

این آقایان به عبت تبلیغ می کنند که مسئله مبارزه طبقاتی را مارکسیست ها ساخته اند، یا توده های آنها را اختراع کرده اند. این یک واقعیت عینی است. وجود تضادهای عاطفی در جامعه دلیل نیست که تضاد های دیگر: اقتصادی، ملی و قومی، فکری و غیره وجود ندارد. اینکه تضاد اقتصادی (تضاد بر مالکیت) یکی از اهم این تضادهاست، تاریخ واقعی بشریت از آن حکایت می کند و قضییرا

با مثال از هابیل و قابیل نمی توان کوچک ساخت.

برخی ها تصور می کنند که چون ملاک های مختلفی برای تقسیم در مورد یک "کمپلکس"، یعنی یک انبوهه، بفرنج (مثلا اجتماع) می توان مطرح ساخت، پس لازم نگرفته است که یکی از این ملاکها (مثلا تقسیم اقتصادی) دارای وزن علمی بیشتر باشد. این خطای فاحشی است، سوء استفاده از نام مذهب و احساس مذهبی توده ها و احترام آنها به مکتب و احادیث مذهبی بسود خود و جیب خود هم بزرگترین تبه کاری است.

هر اندازه هم که شما طبقات و تضاد طبقاتی را به این بهانه مضحک که در جامعه تضادهای روحی و عاطفی هم هست (بسیار خوب هست) منکر شوید، کوچکترین تاثیر در سیر عینی امور ندارد. می گویند: "جوالدوز رادر کیسه نمی توان پنهان کرد"، کاری به این بزرگی، که گروهی معدود سراسر جامعه را، از آمریکای امپریالیستی گرفته تا ایران ما، که حتی پس از انقلاب هم هنوز عرصه غارت سرمایه داران بزرگ و ملاکان است، می چایند، مسئله کوچکی نیست که بتوان آن را با سفسطه های عامیانه مخفی کرد. شما این کار را تا دلتان می خواهید بفرمایید! ولی قوانین عینی جامعه، مانند همه قوانین عینی کار خود را خواهد کرد، چنانکه کرد و می کند، و هر سدی را که در مقابل آن بیافرینند، دیر یا زود می شکند.

البته با توطئه زور می توان عمل هر قانونی را در جامعه برای مدتی به عقب انداخت، ولی خواه طبیعت و خواه جامعه، در مسیر خود مانع غیر طبیعی و نابهنجار را به عقب می زنند و مسیر ضرور خود را طی می کنند، سیر ضروری که ناشی از نیازمندی های تکاملی خود مردم است و نسخه آن را احدی اختراع نکرده، بلکه از عمل زنده، از واقعیت زنده نشأت می گیرد. صحبت بر سر یک "جبر کور" نیست، صحبت بر سر ضروریات سوزان تکامل یک جامعه، یک مردم است که مایلند هم از جهت مادی و هم از جهت معنوی، به سطوح بالاتری ارتقاء یابند.

ولی آقای لیبرال! این مطالب را برای شما نمی گویند. این مطالب را برای کسانی می گویند که منصفانند و آگاهانند بدون پیشداوری، بین سخنان شما و ما قضاوت کنند، و الا شما تصمیم خود را، بر حسب همان منافع مال داری، که از آن آنقدر سالوسانه خود را دور جلوه می دهید، گرفته اید: ای آنکه به تقریر و بیان "دم زنی از عشق" ما با تو نداریم، سخن، خیر و سلامت!

آزادی در خط امام، آزادی در خط لیبرالها

ولتپه و نقی آزادی تکیه بر غارتگران آزادی در خط لیبرالها: آزادی تکیه بر جناح های امپریالیستی و غارتگران بمنظور به اصطلاح مبارزه با جناح های دیگر (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی با سداران انقلاب برای سلب آزادی برخاستن وابسته آمریکا

آزادی در خط لیبرالها: سلب آزادی از سداران انقلاب و آزادی وحکم خروج از کشور برای خائنین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: سلب آزادی و قطع فتوای های وابسته و مزدوران ساواکو و "سیا" جهت آزاد ساختن روستائیان و عشایر مستضعف آزادی در خط لیبرالها: آزادی برای فتوای های وابسته و "سیا" تحت عنوان دفاع از امنیت قضائی (کیهان - اول دی ۱۳۵۹)

بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط امام: آزاد گذاشتن جوانان پر شور انقلابی در جامعه برای سلب آزادی از توطئه گران و سیطان بزرگ - اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرالها: سلب آزادی و محکوم نمودن جوانان انقلابی به نفع آزاد گذاشتن خبانت و توطئه برای توطئه گران و شیطان بزرگ (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: سلب آزادی از خائنین بمنظور حمایت از حقوق و آزادی مستضعفین

آزادی در خط لیبرالها: آزادی در توطئه برای مستکبرین و وابستگان آنها بمنظور سلب آزادی از مستضعفین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی مسازره با وابستگی و سیا از طریق تکیه به اسلام

آزادی در خط امام: دفاع از نهادهای مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین

آزادی در خط لیبرالها: سرکوب و توهین و اختناق برای نهاد های مردمی و انقلابی حافظ منافع مستضعفین (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: مبارزه با تحریف افکار عمومی و در نتیجه آزاد ساختن اندیشه ها از توطئه قلم های مسموم و وابسته به شیطان بزرگ

آزادی در خط لیبرالها: آزادی برای توطئه و تحریف افکار عمومی و در نتیجه آزادی برای قلم های مسموم و مفسد و وابسته به امپریالیسم بمنظور اسارت و وابستگی انسان (کیهان - ۳۰ آذر ۵۹)

آزادی در خط امام: آزادی در مبارزه با شیطان بزرگ و عدم هرگونه سازش با اصلی ترین عامل اسارت انسانها

آزادی در خط لیبرالها: آزادی در سازش و مصالحه و ارتباط با شیطان

نمایشگاه جنگ بر ضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام در رشت



دانش آموزان هوادار سازمان جوانان توده ایران در رشت، در ۱۵ اردیبهشت ۵۹، در جلوی دبیرستان نوربخش رشت، نمایشگاهی درباره جنگ بر ضد تجاوز آمریکایی رژیم صدام تشکیل داده اند، که با استقبال دانش آموزان و اهالی محل روبرو شد.

بیانیه حزب کمونیست

عراق ...

بقیه از صفحه ۳

او بیک ماجراجویی و جنگ غیرعادلانه اقدام می کند و ارتش و مردم را با وسائل قهر و جبر بیک جنگ خونین و ویرانگر میکشاند، و مردم ایران، که تخت شاه و رژیم خونبار او را در هم تسکینند، ممکن نیست در برابر کسی که تجاوز به حرمت خاک آنها بکند و حاکمیت و سیادت ملی آنها را نقض نماید، دست روی دست بگذارد.

قبل از جنگ، ما شاهد شدت یافتن بحران عمومی و عمیق داخلی در عراق بودیم - همانطور که حزب مادر بیانیها و تحلیل های خود بزودی آنها را تشخیص داد. تمیق و تشدید تنفر و انزجار مردم از رژیم و تعمیق منفرده شدن آن و بازتاب مستقیم اینها در داخل حزب حاکم، از پائین تا بالا، و پیدایش شکافهای متوالی در موسسات کشوری و لشکری آن، از مظاهر و نمودارهای این بحران شدید بشمار میرود.

همچنین پیوستن کامل جمیع نیرو- های ملی و توده های خلق به اردوی مخالف آغاز توافقی ملی در بین نیرو- های اساسی و موثر در میدان مبارزه میهنی - همانطور که اخیرا منجر به تشکیل «جبهه دمکراتیک میهنی و ملی» شد - از مظاهر و نمودارهای برجسته بحران رژیم است. این توافقیها و اشکال دیگر مخالفت، با گسترش مبارزه جهت سرنگونی گروه تروریست دیکتاتوری و اعمال شجاعانه مقابله علیه موسسات رژیم و شیوه های تروریستی آن همراه بود.

مبارزات مردم همراه بود با رشد روزافزون نیروهای مسلح پارتیزانی در کردستان، که صفوف و مواضع و فعالیت های نظامی و سیاسی و سازمانی و تدارکاتی خود را در مناطق وسیعی از عراق تحکیم و تقویت می کنند نقش موثری در فرسوده کردن رژیم و کمک به متلاشی کردن آن، ایفا می نمایند.

جنگی که غرض از آن نجات یا منصرف کردن انتظار از این بحران بود، در تشدید و منفجر کردن آن سهم بزرگی داشته و دارد. تلفات عظیم جانی، آشفتنکی اقتصادی، تشدید بحران در تمام شئون زندگی، هدر رفتن وحشتناک درآمد و ثروت های کشور و نتایج فاجعه آمیز آن، توأم با اوج گرفتن خشم و نفرت خلق علیه رژیم و جنایتها و خیانت های آشکار آن به منافع میهنی و ملی، این بحران را بسوی شدت و منفجر شدن بیشتر سوق میدهد. بدون تردید افزایش سنگینی بار فجایع و مصائب ناشی از جنگ، به صورت حادی در نیروهای مسلح و توده های زحمتکش، که بیشتر مشتاقا و فجایع را متحمل میشوند، انعکاس خواهد یافت.

باند تروریستی، که ماجراجویانه این جنگ را فروخت و ارتش و خلق را به آتش آن کشید، خودش نیز به تنگنای افتاده که، ابتدا ممکن نیست به سلامت از آن درآید.

راه نجات میهن و وسیله مفید و قاطع برای خاتمه دادن به جنگ و متوقف ساختن خونریزی و رها کردن خلق ما از فجایع و قربانی- های بیشتر، همانا راه تقویت عمل جدی و هماهنگ است بین احزاب و نیرو- های ملی و شرافتمند، در پیوند تام و تمام با توده های مبارز خلق ما و کلیه

عناصر ملی و نیرو در ارتش ما، جهت تسریع در سرنگونی پساند تروریست دیکتاتوری و خنثی کردن هرگونه مانوری بمنظور ابقای ریشه ها و سیاست این نظام و موسسات قلع و قمع آن، و یا تلاش برای جاننشین کردن باند تروریست دیکتاتوری یا کسی که عین خط مشی خیانت آمیز گروه حاکم کنونی را ادامه دهد و بر شیوه های قلع و قمع و استبداد تکیه کند، یا متمسک به ایدئولوژی خصومت آمیز یا دمکراسی و سوسیالیسم و کمونیسم باشد، یا برای انحصار قدرت، یا تبلیغ افکار طائفی عقب افتاده دست راستی تلاش ورزد.

رژیم خونین دژخیم در کشور ما باید از بین برود. این رژیم امروز از هر وقت دیگری ضعیفتر است و امکان هجوم بر آن و سرنگونیش برای مردم و نیرو- های ملی ما بیشتر. اکنون شرایط بهتری برای همبستگی بیکارجویانه در بین نیروهای مبارز مردم ما و گردانهای جنبش آزادیبخش ملی عرب و جمیع نیروهای مترقی و سوسیالیستی در جهان، که سرشت باند دیکتاتوری در عراق را، در نتیجه جنگ علیه ایران بهتر شناخته اند، فراهم است.

اگر امپریالیسم امریکا در جنگ عراق و ایران، مزورانه تظاهر به دبی- طرفی میکند، ولی در باطن به گروه حاکم بر عراق کمک می کند و پشتیبانی پنهانی را از او، بوسیله همپیمانان خود در وجود حکام مرتجع عرب و از راه تمرکز نیروهای نظامی در خلیج فارس و دریای عرب تامین می کند، اتحاد شوروی موضع مسئولانه اتخاذ کرده و با تمام قدرت سیاسی و نظامی اش بر ضد تلاش های آمریکا جهت مداخله در نزاع و برای عقیم گذاردن فعالیت ناروگان و نیروهای

امریکائی موجود در منطقه ایستاده است. اتحاد شوروی در مورد حل مسالمت آمیز نزاع موضع اصولی اتخاذ کرده و متوقف ساختن جنگ و منع هرگونه مداخله اجنبی از خارج را خواستار شده است. وضعی که گسریباتگیر دیکتاتوری دژخیم شده، شدت می یابد، پایان آن نزدیک میشود، امکان پیروزی مردم بیشتر و بهتر میگردد.

یکتاگره راه حل درست بحران رژیم دیکتاتوری، که در نتیجه جنگ تجاوزآمیز کارانه آن علیه ایران همسایه همیق شده است، تشدید مبارزه توده های مردم برهبری «جبهه دمکراتیک میهنی و ملی» و تمام نیروهای مبارز خلق ماست برای سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک نظام دمکراتیک ائتلاف ملی، که وظیفه فوری و مستعجل آن عبارتست از: پایان دادن به کشتار خونین و وحشتناک، فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران، کوشش برای حل اختلافات بین دو کشور از راه مسالمت آمیز، بصورتیکه منافع دو ملت دوست و مبارزه مشترک آنها را علیه امپریالیسم و برای ترقی اجتماعی تضمین کند.

توده های خلق شرافتمند ما! کارگران و دهقانان و روشنفکران انقلابی!

صفوف خود را فشرده کنید و با تمام وسائل مبارزه برای سرنگونی رژیم تروریستی را شدت بخشید!

توده های سرایان و افسران! تفنگهای خود را به سوی کسانی نشانه روید، که شما را بزور به این کشتارگاه انداخته اند!

احزاب و نیروهای میهنی و کلیه گردانهای اپوزیسیون ملی در کشور! کوششهای بیکارجویانه خود را متحد

و هماهنگ سازید و همبستگی و نقش رهبری خود را در بیکار خلق تحکیم بخشید!

جنگجویان دلیر در نیروهای پارتیزانی و پیشمرگ!

عملیات نظامی و سیاسی و تدارکاتی خود را در منطقه، برای فرسوده کردن دشمن و آزاد کردن زمین توسعه دهید! کسانی که در حزب حاکم و موسسات آن بزور بسیج شده اند!

صدای خود را علیه جلدان بلند کنید! باند قاتلان و خائنان وطن را ترک کنید و برای ملحق شدن به جبهه خلق بشتابید!

به پیش فرزندان خلق بزرگ ما، صرف نظر از اختلاف ملیت، عقیده و مذهب، برای سرنگونی رژیم ترور و خیانت میهنی و ملی، برای استقرار نظام دمکراتیک ملی ائتلافی، که جنایت های دیکتاتوری را بشوید و زخمهای خلق و میهن را التیام بخشد!

در راه دمکراسی برای عراق و خودمختاری برای کردستان!

برای اینکه عراق عزیز ما راه دمکراسی و استقرار امنیت و ترقی، راه همبستگی عربی در مبارزه، راه شرکت فعال در بیکار امت عرب علیه دشمن صهیونیستی و راه عقیم گذاردن نقشه های امپریالیسم امریکا و حکام مرتجع دست- نشاند او را در پیش گیرد.

مرگ بر دیکتاتوری فاشیستی! پیروزی باد خلق مبارز!

حزب کمونیست عراق
۱۹۸۰/۱۱/۲۴

توضیح: تیتراهای وسط بیانیه از نامه «مردم» است.

نامه آقای...

بقیه از صفحه ۱

تکون هفتمین توطئه امپریالیسم امریکا قرار دارند و باز هم برخی از نشریات، نه فقط کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم امریکا و شیوه های مقابله با آنها و ضرورت اتحاد خلق و نیروهای انقلابی علیه تلاشهای ضدانقلاب، سخن نمی گویند، بلکه خاک در چشم مردم می پاشند و به تفرقه جوئی دست میزنند... در کمال تاسف و تعجب، آقای صادق حتی کلمه ای در مورد توطئه های امپریالیسم امریکا... سخن نمی گوید. او حتی کلمه ای در مورد نقش مطبوعات ضدانقلابی، که با سکوت در مورد توطئه های امپریالیسم امریکا و منحرف کردن افکار مردم از خطر جدی امپریالیسم امریکا، به امپریالیسم امریکا یاری رسانیدند و اکنون نیز در همین جهت عمل می کنند، بر زبان نمی آورد. او ضرورت وحدت مطبوعات متحد و انقلابی را برای افشاء توطئه های امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی و هشیار ساختن مردم، متذکر نمیشود.

نامه «مردم» افزود:

«شگفت انگیز و تاسف بار است، اما واقعیت دارد که آقای صادق بی آنکه بتواند هیچ ایراد قانونی (قانونی که هنوز موجود است) بر کار حزب توده ایران و نشریات آن، که همگی منطبق بر قانون مطبوعات و با اجازه وزارت ارشاد اسلامی منتشر می شوند، وارد آورد، چنین خصمانه بر حزب توده ایران که صداقت و صمیمیت خویش را در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به اثبات رسانیده است، بتازد.»

(۳) پاسخ آقای ابوالقاسم صادق به نامه «مردم»، که متن آنرا در فوق ملاحظه کرده اید، نشان می-

دهد که آقای صادق، متأسفانه، نه فقط پاسخ قانونی و منطقی به مقاله نامه «مردم» نداده، نه فقط در تضاد و افترا آمیز خود نسبت به حزب توده ایران تجدید نظر نکرده است - مطلبی که نامه «مردم» خواستار آن شده بود - بلکه در کمال تاسف باز هم مطالب خلاف حقیقتی درباره حزب توده ایران ابراز داشته و باز هم به حزب توده ایران، بدون کوچکترین دلیل، افترا زده است.

(۴) آقای ابوالقاسم صادق، «سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی» است، یعنی آقای صادق میدانند و باید بدانند که طبق ماده ۱۵ قانون مطبوعات، درج پاسخهای «مشتعل بر توهمین، افترا و مطالب خلاف واقع» در روزنامه مجاز نیست. ولی آقای ابوالقاسم صادق در نامه خود سه نامه «مردم» خواستار درج پاسخی شده است که حاوی مطالب خلاف واقع و افترا درباره حزب توده ایران است.

(۵) نامه «مردم»، که به موضع اصولی و انقلابی خود اعتقاد راسخ دارد، حتی از درج چنین پاسخی پاك ندارد.

(۶) آقای ابوالقاسم صادق مطالب خلاف واقع و افترا آمیز خود را علیه حزب توده ایران با نام «سرپرست حوزه معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد اسلامی» عنوان کرده است. و این نه فقط شایسته يك مقام مسئول جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه برای حیثیت و اعتبار دولت جمهوری اسلامی ایران فوق العاده زینبش است.

(۷) آیت الله دکتر بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، در نماز جمعه ۱۲ دیماه ۵۹، بدرستی گفت: «اسلام به ما یاد داده درباره دشمنان هم دروغ نگوییم، نسبت

به دشمنان هم تهمت و افترا نزنیم، نسبت به دشمنان ما هم فحش ندهیم.»

آقای ابوالقاسم صادق برخورد خود را با حزب توده ایران، با این موضع درست آیت الله دکتر بهشتی، چگونه تطبیق میدهد؟

(۸) آقای ابوالقاسم صادق، بعنوان يك مقام مسئول، هنگامی که درباره حزب، مانند حزب توده ایران، موضعگیری میکند صرف نظر از هر عقیده ای که شخصاً داشته باشد باید سخنی کاملا اصولی و مسئولانه باشد، زیرا حزب توده ایران از زمره آن گروههایی نیست که هویت نداشته باشد. آقای ابوالقاسم صادق با حزبی روبرو است که تاریخ ۴۰ ساله روشنی دارد: تاریخ ۴۰ ساله اخیر کشور ما گواه صادق این امر است که گروهی از بهترین، شرافتمندترین و میهن دوستترین فرزندان این کشور در صفوف حزب توده ایران در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران، بر ضد امپریالیسم و ارتجاع و پخاطر سعادت و رفاه زحمتکشان و محرومان رزمیده اند.

حزب توده ایران در این راه هزاران نفر قربانی داده و هزاران نفر دیگر از اعضای آن در زندانها و شکنجه گاهها و تبعید، بهترین سالهای عمر خود را بسر برده اند. تاریخ معاصر مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه مردم کشور ما با نام توده ایها پیوند ناگسستی دارد.

دوساله پس از انقلاب بزرگ ایران نیز شاهد گویا و غیر قابل انکاری بر پشتیبانی بیدریغ و تاپای جان توده ایها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بوده است. صداقت و صمیمیت حزب توده ایران نه در حرف، بلکه در عمل به آزمون گذاشته شده و به ثبوت رسیده است. هم اکنون

کمک نقدی و جنسی حزب توده ایران - سازمان چالوس و نوشهر سه جبهه جنگ ضد امپریالیستی.

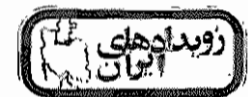
حزب توده ایران - سازمان شهرستان نوشهر - چالوس، طی نامه ای به دفتر کمیته امداد امام خمینی، میزان کمک نقدی را، که بعنوان کمک به جبهه جنگ ضد امپریالیستی فرستاده است، اعلام کرد. در قسمتی از این نامه آمده است:

«بمنظور اعلام همبستگی در تعمیق انقلاب و در اجابت فرمان امام خمینی، در مورد تعاون و کمک به جبهه های جنگ ضد امپریالیستی، مبلغ پنجاه و دو هزار و پانصد ریال از طرف عده ای از اعضای و هواداران حزب توده ایران - سازمان چالوس و نوشهر (با قیاس) پیوست تقدیم میگردد.»

توده ایها، پابهای دیگر رزمندگان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در صف اول جنگ عادلانه بر ضد تجاوز امریکائی رژیم صدام می رزمند و تا بحال دهها تن از آنان در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شهید شده اند.

آری، با چنین خزبی باید - صرف نظر از اختلاف عقیده، اصولی و مسئولانه برخورد کرد، که متأسفانه موضعگیری آقای ابوالقاسم صادق فاقد چنین برخوردی است.

(۹) در برابر این تاریخ روشن حزب توده ایران، که ۴۰ سال است در برابر مردم ایران گشوده است، مفید است که آقای ابوالقاسم صادق نیز سابق سیاسی خود را به اطلاع افکار عمومی مردم ایران برسانند. تضاد آخرین و عادلانه - مانند همیشه - با مردم ایران است.



کمک نقدی حزب توده ایران - سازمان تنکابن به جبهه جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام

حزب توده ایران - سازمان شهرستان تنکابن، طی نامه ای به دفتر کمیته امداد امام، میزان کمک نقدی و جنسی را که به عنوان همبستگی با رزمندگان جبهه جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام فرستاده است، اعلام کرد. در قسمتی از این نامه آمده است:

«به منظور اعلام همبستگی هر چه - بیشتر با مردم انقلابی میهن ما، پاسداران جانناز و سلحشور، رزمندگان غیور ارتش جمهوری اسلامی ایران، در این جنگ عادلانه علیه تجاوزگران بعثی و حامیش امپریالیسم آمریکایا، حزب توده ایران - سازمان تنکابن، مبلغ ۳۰۰۰ ریال و مقدار ۹ کارتن لباس، یک گونی سیب زمینی، برنج، مقداری قند، لپه، لویا و روغن و مقداری دارو به اتمام چهار تخته پتو و چهار تخته زیلو ارسال میدارد.»

کمبود امکانات فنی و آزمایشگاهی در هنرستان فنی زاهدان

هنرستان فنی پسران در شهرستان زاهدان، احتیاج به امکانات فنی و آزمایشگاهی در جهت تعلیم هنرجویان در زمینه های مختلف دارد، که هنوز به آن رسیدگی نشده است.

هنرستان فنی شهرستان زاهدان، با حدود بیش از ۶۰۰ کارآموز، از دو قسمت عمده: برق ساختمان و قسمت مکانیک تشکیل شده است. متأسفانه با وجود بودجه نسبتا زیادی که در

اختیار مسئولین استان برای حل این مشکل قرار گرفته، اما تاکنون تحول بنیادی و چشمگیری در سطح هنرستانهای استان روی نداده است. بیشتر هنرستانها با کمبودها و نارساییهایی در زمینه کادر و امکانات فنی و آزمایشگاهی مواجه اند.

ما از مسئولین امر مصرانه می طلبیم که امکانات لازم را برای رفع کمبودها در هنرستانهای فنی استان سیستان و بلوچستان هر چه زودتر فراهم کنند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چه کسی مسئول فرار عناصر ضد انقلابی است؟

تجاوزکارانه داروخته صدام شرکت مستقیم داشتند؛ میدانیم که آنها بفرمان امپریالیسم آمریکا در تمام توطئه‌های ضدانقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت داشته و دارند.

و لذا سؤال مشخص - همانطور که حجت الاسلام خلغالی پدرستی مطرح کرده - اینست:

چرا افکار عمومی مردم ایران نباید بدانند که عناصر ضدانقلابی چگونه و بدست چه کسانی، نه فقط از مجازات سزاوار خود گریخته‌اند، بلکه برای ادامه فعالیت ضدانقلابی خود امکان بدست آورده‌اند؟

امیداست که مقامات مملکت، به این سؤال که بر سر زبان مردم زحمتکش و انقلابی‌ماست، پاسخ شایسته بدهند.

حجت الاسلام خلغالی، طی سخنرانی خود در شهر سمنان، در اشاره به «وابستگی امپریالیسم و ارتجاع جهانی»، که توانستند از ایران بگریزند و خود را از زیر ضرب‌های انقلاب نجات بدهند، و درباره اینکه چه کسانی مسئولیت فرار آنها را به عهده دارند، اظهار داشت:

«آنها به وسیله طرفداران غرب که در دولت موقت بودند، فرار کردند، گذرنامه قلابی درست کردند، مراغه‌ای، نژی و بختیار را چه کسانی فراری دادند؟»

و میدانیم که موضوع به همین جا، به «فرار» عناصر ضدانقلابی خاتمه نیافت؛ میدانیم که عناصر فراری ضدانقلابی به گروه اویسی‌ها، جسم‌ها، بالیزبانها و دیگر جلازان و دشمنان خلق و انقلاب ایران پیوستند؛ میدانیم که آنها در تدارک جنگ

رژیم السالوادور در آستانه سقوط است

در السالوادور وضع انقلابی حاکم است. بنا به گزارش‌های رسیده از این کشور، نبردهای شدید در شمال کشور میان رزمندگان میهن‌دوست و نیروهای مزدور ارتش ادامه دارد. میهن‌دوستان یک‌شهر دیگر را در این منطقه تصرف کرده‌اند و سرایان ارتش، که از سوی مستشاران نظامی آمریکا رهبری میشوند، یکرشته شکستهای جدی متحمل شده‌اند. نیروهای دولتی باتوجه به این شکست‌ها، دیوانه‌وار افراد غیرنظامی را مورد حمله قرار میدهند و روستاها و شهرهای کوچک را، بدستور مستشاران آمریکائی، وحشیانه بمباران می‌کنند.

از سوی دیگر، جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی اعلام کرد که تدارک یک قیام و اعتصاب عمومی آغاز شده است. سرگرد کارلوس تورس، یکی از فرماندهان جبهه، در مصاحبه‌ای با روزنامه «اوتوماس اوتو»، چاپ مکزیکو، گفت:

«جبهه آزادیبخش فارابوندومارتی در حال حاضر ۴۰ درصد سرزمین السالوادور را کنترل میکند و در نواحی آزاد شده، ارگانهای حکومتی انتخابی تشکیل می‌شود. کارگران، کشاورزان، کسبه زحمتکش، دانش‌آموزان و دانشجویان، گروههای مسلح تشکیل داده‌اند و به دفاع در برابر حملات وحشیانه مزدوران رژیم پرداخته‌اند.»

کارلوس تورس گفت:

«مستشاران نظامی آمریکا در السالوادور از همان تاکتیکهایی که در ویتنام بکار گرفته‌شد، استفاده می‌کنند و روستاییان یگانه را با هلی‌کوپتر و هواپیما زیر آتش می‌گیرند. بر اثر این حملات وحشیانه دهها هزار نفر آواره شده‌اند.»

تلگرام جامعه روحانیت خوزستان به حضرت آیت الله منتظری:

گله‌مندی شما از کم‌تحرکی و یار کود جبهه‌ها منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود

از طرف جامعه روحانیت خوزستان تلگرامی برای فقیه عالیقدر حضرت آیت الله منتظری مخابره شد.

در این تلگرام از جمله آمده است: «پیام تسلی بخش حضرت عالی که متضمن همدردی آن حضرت بامردم شهبیدر و راهوار و گله‌مندی از کم‌تحرکی و یار کود جبهه‌های اسلام بود، از آنجا که بیانگر خواستها و دردهای محرومان این استان و منعکس کننده فریاد رزمندگان این جبهه بود، موجب امتنان جامعه روحانیت گردید و

روزنه امیدی برای ما و پرستل ارتش و سپاه پاسداران کشور، مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری‌ها در تاریخ کم‌نظیر است، با مراجع مکرر از حالت رکود وعدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش اع

روزنه امیدی برای ما و پرستل ارتش و سپاه پاسداران کشور، مردم این خطه به ویژه رزمندگان دلیر که مبارزات قهرمانانه و فداکاری‌ها در تاریخ کم‌نظیر است، با مراجع مکرر از حالت رکود وعدم صدور فرمان تهاجم ابراز نارضایتی کرده‌اند. بسیار بجا است که آن مجاهد نستوه که همواره در متن قضایا و در جریان دقیق اوضاع جبهه‌ها و مشکلات آن بوده و ضمن تماس با اقشار مختلف ارتش اع



مذاکرات هیئت‌های اقتصادی لهستان و شوروی

یک هیئت اقتصادی لهستان به ریاست مینچسلاو باگلسکی، معاون نخست‌وزیر لهستان، در مسکو با مقامهای اقتصادی شوروی درباره مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکراتی انجام داد.

در این مذاکرات بر سر مسائل اقتصادی در سال جدید مبرمجی و هماهنگی طرح‌های پنج‌ساله عمرانی ۱۹۸۵-۱۹۸۱ مورد توجه قرار گرفت.

کنگره فوق العاده «مپلا» بر نامه پیشرفت آنکولار ا بسوی سوسیالیسم تصویب کرد

خوزه ادواردو دوش سانتوش، بار دیگر به عنوان صدر «مپلا» - حزب کار آنکولار، انتخاب شد.

در اولین کنگره فوق العاده «مپلا» - حزب کار که در لواندا پایتخت آنکولار برگزار شد، وظایف ساختمان اجتماعی و اقتصادی آنکولار مورد بحث قرار گرفت و چشم‌اندازهای آینده تشریح شد. ۶۶ نماینده‌ای که از سراسر آنکولار در این کنگره شرکت داشتند، تصویب کردند که در حل و فصل مسائل اقتصادی - اجتماعی توجه اصلی به کارآئی برنامه ریزی و بالابردن سطح «کارآئی تولید» و بهره‌وری کار معطوف شود.

کنگره تأیید کرد که بالابردن سطح زندگی زحمتکشان از جمله مهم‌ترین وظایف است و تدابیر مشخص در این زمینه در کنگره اتخاذ شد.

در پایان کار کنگره قطعنامه‌ای تصویب شد که در آن «مپلا» - حزب کار آنکولار، به نمایندگی از سوی خلق آنکولار، از تمامی کشورهای دوست و در درجه اول اتحاد شوروی و کوبا، بخاطر کمک و حمایت انترناسیونالیستی آنها، سپاسگزاری کرده است.

در قطعنامه نقش قاطع نیروهای مسلح خلق برای آزادی آنکولار (قاپلا) در دفاع از دستاوردهای انقلابی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری خلق آنکولار و درهم‌شکستن تجاوزات مداوم رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی مورد تأیید قرار گرفته است. نمایندگان کنگره بار دیگر به اتفاق آراء خوزه ادواردو دوش سانتوش را بار دیگر به عنوان صدρχزب انتخاب کردند.

خوزه ادواردو دوش سانتوش در سخنرانی خود در پایان کنگره به اهمیت تاریخی کنگره در حل و فصل وظایف بازسازی ملی و ساختمانی سوسیالیسم در آنکولار اشاره کرد و گفت: «برگزاری کنگره یک پیروزی دیگر حزب و زحمتکشان آنکولار بر نیروهای ارتجاع داخلی و خارجی است. مپلا - حزب کار، اصول مارکسیسم - لنینیسم را با توجه به واقعیت‌های موجود آنکولار در تمام فعالیت‌های خود که هدف از آن ساختمان سوسیالیسم در جمهوری خلق آنکولار است، راهنمای خود قرار داده و برای تحکیم دوستی و همکاری با همه درستان واقعی و طبیعی خود یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی تلاش خواهند کرد.»

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کاخ بیدولابین گنیم

خانم حزب سوسیالیسم آراو

رفتای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما می‌توانیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوک، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپهبد قرنی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ع. ط. ۳۱۰۰۰۰ ریال
م. ش. ف. از چالوس ۱۰۰۰۰۰ ریال

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 411
4 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۹ منطقه ۱۴ پستی تهران

مردم «بلیز» خواهان استقلال کشور خود هستند

در اوایل پاییز امسال مذاکرات جدیدی، که میان بریتانیا و گواتمالا درباره استقلال بلیز در نیویورک صورت گرفت، بویژه بر اثر موضع انعطاف‌ناپذیر رژیم نظامی - دیکتاتوری گواتمالا، با شکست پایان یافت.

بلیز کشوری است در کارائیب، با مساحت ۲۲۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۱۵۰ هزار نفر. این کشور، که هنوز مستعمره بریتانیاست، از خودگردانی داخلی برخوردار است. لیکن گواتمالا، که خود را وارث حقوقی اسپانیا میداند، نسبت به این کشور دعوی ارضی دارد. دولت دیکتاتور لوگاس تهدید کرده است، که چنانچه لندن بدون اجازه گواتمالا استقلال بلیز را بپذیرد، گواتمالا به مداخله نظامی دست خواهد زد.

بلیز، که تا سال ۱۳۵۲ هندوراس بریتانیا نامیده میشد، صدو بیست و یکسال است که به موجب قراردادی میان گواتمالا و بریتانیا در مرز-

های کنونی وجود دارد. اما گواتمالا باین بهانه که بریتانیا، بخلاف قرارداد ۱۲۳۶، به ساختن جاده‌ای بین بلیز سیتی و گواتمالا مبادرت نورزیده است، این قرارداد را باطل اعلام کرده است.

اکثریت مطلق مردم بلیز و «حزب خلق متحد» بر رهبری جورج پرایس، که سی سال است زمام امور این کشور را به عهده دارد، خواهان استقلال بلیز هستند. چند هفته پیش سازمان ملل متحد نیز با ۱۳۰ رای مثبت خواستار حفظ تمامیت ارضی بلیز شد.

منابع نفتی مهمی، که در استان تولدو در بلیز موجود است، یکی از عوامل ادامه مشاجرات درباره بلیز است.

پرسش و پاسخ شماره ۱۹ منتشر شد